منبر مکتوب ویژه اربعین

# اربعین شروعی برای زندگی تازه



@Hawzah_Panahian







برای عضویت در کانال «حوزه و تبلیغ» اسکن کنید

**کاری از مرکز تخصصی تبلیغ دارالحکمه**

اربعین جهانی شد

و جهانی‌تر هم

خواهد شد.

رهبر انقلاب اسلامی ۱۳۹۸/۰۶/۲۷






## فهرست

## اربعین؛ مقدمهٔ برای زندگی نو

### • مبحث اول: «زیارت اربعین تفریح یا تکلیف؟!»

## » چگونه تجمع با عظمت اربعین شکل گرفته است؟

در موضوع اربعین ما بر سر سفره و خوان پربرکت و آمادهٔ امام حسین علیه‌السلام نشسته‌ایم، یعنی بنا نیست که ما این سفره را باز کنیم یا بنیان‌گذاری کنیم و بنا نیست که فکر کنیم که چگونه این تجمع باعظمت را ایجاد کنیم؛ این تجمع باعظمت ایجاد شده است و جز دست الهی، عامل دیگری در شکل‌گیری این تجمع باعظمت نقش نداشته است. علماء محترم نجف به بنده می‌فرمودند: ما کاری نکرده‌ایم، یا ندیده‌ایم که قبل از آغاز این خیل عظیم پیاده‌روی، در حوزه، کار جدی و ترغیبی برای این حضور مردم صورت بگیرد.

از ایران اسلامی هم که دلها متحول شد و به اربعین متوجه شد، باز هم کار تبلیغات نهادهای فرهنگی-دینی نبوده است بلکه این حقیقتاً یک حرکت خودجوش معنوی در بین همهٔ مؤمنین است؛ نه فقط مؤمنینِ معتقد به امامت اباعبدالله‌الحسین علیه‌السلام بلکه مؤمنین معتقد

به حریت و آزادمنشی و سیادت حسین علیه‌السلام در هر مذهب و مکتبی یک دلِ شوریده‌ای برای اربعین پیدا کرده‌اند و خود به خود این جمعیت باعظمت شکل گرفته است.

ما عامل دیگری همانند «اباعبدالله‌الحسین علیه‌السلام» برای پاکسازی روح‌ها و جان‌ها و جوامع بشری نداریم. شهید بیشترین تأثیر را در دیگران دارد، شهید به حقانیت یک راه شهادت می‌دهد. و شهیدی مثل امام حسین علیه‌السلام بیش از دیگر امامان ما «سفینه النجاه و مصباح الهدی» است.

## » کدام اقدام فرهنگی موثرتر و کم‌هزینه‌تر از اربعین؟!

هر کسی می‌خواهد در این مرز و بوم یا هر جای دنیا کار فرهنگی انجام دهد، اول باید سرمایه‌اش را برای مؤثرترین عامل، برنامه‌ریزی کند، و بعد به حَسَب ضرورت برای امور دیگر هم هزینه کند و طبیعتاً مؤثرترین عامل، خودِ اباعبدالله‌الحسین علیه‌السلام است. هزاران منبر، مسجد، اقدام فرهنگی، فیلم سینمایی و حرکت خوب فرهنگی وجود دارد، ولی ما در آخرش به دنبال چه هستیم؟ آخرش باید به این نقطه برسیم که فرمود: «إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ»[۱] مسلماً اباعبدالله الحسین علیه‌السلام با کمترین هزینه و کمتر از همهٔ این فعالیت‌ها از نظر هزینهٔ مادی و زمانی، می‌تواند تأثیرات عمیق‌تر و ماندگارتر و اصیل‌تری در روح انسان‌ها باقی بگذارد.

ما بر سرِ این سفرهٔ آماده نشسته‌ایم و می‌خواهیم بهره‌برداری خودمان را بیشتر کنیم. مسلماً معرفت و نیت ما امکان بهره‌برداری ما را افزایش خواهد داد و فواید این سفر را برای ما بیشتر خواهد کرد و برکاتش را برای جهان اسلام، بلکه جهان بشریت بیشتر نازل خواهد کرد. در اینجا

۱. شعراء، ۸۹.

می‌خواهم نکاتی را عرض کنم که این نکات بتوانند به بهره‌وری ما-از سفر اربعین- کمک کنند و برکت کار ما را افزایش دهند.

## » سفر اربعین را «وظیفه» بدانیم نه صرفاً سفری برای «حال خوش معنوی»

اولین مفهومی که-در ارتباط با زیارت اباعبدالله الحسین علیه‌السلام - باید در ذهن و دل ما جا بگیرد این است که «این وظیفهٔ ماست» همان‌طور که یک مؤمن در روز عاشورا احساس وظیفه می‌کند که برای امام حسین علیه‌السلام عزاداری کند، بدون اینکه در رساله‌های عملیه به طرز خاصی بر او واجب کرده باشند. البته این زیارت را به شیوهٔ حج، واجب نکرده‌اند و این هم یک اسراری دارد. گذاشته‌اند خود مؤمنین این وظیفه را بفهمند.

امام صادق علیه‌السلام به یکی از دوستان خود فرمود: «من شنیده‌ام برخی از مؤمنین هستند که دو سه سال بر آنها گذشته ولی به کربلا و زیارت امام حسین علیه‌السلام نرفته‌اند.-حضرت طوری این سؤال را مطرح کردند که انگار معنایش این است: مگر می‌شود یک چنین افرادی هم باشند؟! در حالی که حضرت خودشان خبر داشتند که وضعیت چگونه است- آن شخص پاسخ داد: آقا جان! خیلی‌ها هستند که این‌گونه هستند. حضرت فرمود: این افراد در روز قیامت چگونه می‌خواهند جواب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را بدهند؟!؛ یَا عَلِيُّ! بَلَغَنِی أَنَّ قَوْماً مِنْ شِیعَتِنَا یَمُرُّ بِأَحَدِهِمُ السَّنَةُ وَ السَّنَتَانِ لَا یَزُورُونَ الْحُسَیْنَ؟ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ إِنِّی أَعْرِفُ أُنَاساً کَثِیرَةً بِهَذِهِ الصِّفَةِ. قَالَ أَمَا وَ اللَّهِ لِحَظِّهِمْ أَخْطَئُوا وَ عَنْ ثَوَابِ اللَّهِ زَاغُوا وَ عَنْ جِوَارِ مُحَمَّدٍ ص تَبَاعَدُوا...... أَمَا إِنَّهُ مَا لَهُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ عُذْرٍ وَ لَا عِنْدَ رَسُولِهِ مِنْ عُذْرٍ یَوْمَ الْقِیَامَةِ»[1]

---

۱. کامل‌الزیارات، ص ۲۹۶

## » طبق روایت، فقرا لااقل سالی یک‌بار باید کربلا بروند

متاسفانه هنوز برخی می‌گویند: «کربلا را باید با دلت بروی!» یعنی اگر دلت حال و هوای سفر داشت، عزم سفر کنی! در حالی که ما چنین روایتی نداریم. بله؛ در روایات هست که وقتی به حرم رفتی، زیاد در آنجا نمان بلکه هرمقدار که توانستی بانشاط در حرم باشی، کافی است و زود برگرد. ولی اعلام کرده‌اند: «فقرا لااقل سالی یک‌بار بروند و ثروتمندان لااقل سالی دو بار بروند ؛ حَقٌّ عَلَى الْغَنِيِ أَنْ يَأْتِيَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ ع فِي السَّنَةِ مَرَّتَيْنِ وَ حَقٌّ عَلَى الْفَقِيرِ أَنْ يَأْتِيَهُ فِي السَّنَةِ مَرَّةً»[1] و همچنین فرمودند: «غیبت ما(نرفتن به کربلا) از سه سال نباید بیشتر باشد؛ أَمَّا الْقَرِيبُ فَلَا أَقَلَ مِنْ شَهْرٍ وَ أَمَّا بَعِيدُ الدَّارِ فَفِي كُلِّ ثَلَاثِ سِنِينَ فَمَا جَازَ الثَّلَاثَ سِنِينَ فَقَدْ عَقَّ رَسُولَ اللَّهِ ص وَ قَطَعَ رَحِمَهُ إِلَّا مِنْ عِلَّة»[2] در حالی که اصلاً دربارۀ حج، چنین مواردی نیست. و اگر شما یک‌بار به حج مشرف شوید، وظیفۀ خود را انجام داده‌اید.

ضرورت زیارت امام حسین علیه‌السلام قطعاً از عمره بیشتر است و بر آن شرافت دارد. حج هم یک وظیفه‌ای است که هر کسی در عمرش یک‌بار انجام دهد، کفایت می‌کند و در مقایسه با همین حج واجب هم زیارت امام حسین علیه‌السلام ثواب برتری دارد. امام صادق علیه‌السلام فرمود: مَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ ع كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حِجَّةً وَ عُمْرَةً»[3] اینها از مسلماتی است که در روایات ما فراوان ذکر شده است.

---

۱. کامل‌الزیارات، ص۲۹۳ و تهذیب الاحکام، ج۶، ص۴۳.
۲. کامل‌الزیارات، ص۲۹۷.
۳. همان، ص۱۸۵.

## » احساس تکلیف مغایرتی با شوق ندارد

ما باید نسبت به زیارت کربلا، احساس وظیفه کنیم. درست است که این حرکت با «اشتیاق» شروع شده است، ولی باید با «احساس تکلیف» ادامه پیدا کند. و این احساس تکلیف هم مغایرتی با شوق ندارد، بلکه باز هم این شوق و محبت به اهل‌بیت علیهم‌السلام بیشتر خواهد شد. کسی فکر نکند وقتی از «تکلیف» سخن می‌گوییم، این تکلیف با عاشقی و محبتی که به اهل‌بیت علیهم‌السلام داریم، مغایرت دارد. یقیناً کسی که از سرِ تکلیف به این زیارت برود و بگوید: «یا اباعبدالله! این وظیفهٔ من بوده که به اینجا بیایم» چنین کسی، نور بیشتری کسب خواهد کرد.

## » چرا زیارت کربلا در اربعین اولویت دارد؟

آیا انجام این وظیفه، یعنی رفتن به زیارت کربلا، باید در اربعین باشد؟ به دو دلیل، اربعین اولویت دارد. یکی به دلیل روایت شریف امام حسن عسکری علیه‌السلام که زیارت اربعین را یکی از پنج علامت مؤمن بیان فرموده‌اند؛ «عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ... وَ زِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ»[۱] و دیگری به دلیل «تجمع مؤمنین».

اگر سفارش امام حسن عسکری علیه‌السلام برای اربعین نبود، مسلماً به دلیل دیگری احساس وظیفه می‌کردیم و آن هم تجمع مؤمنین است. آدم احساس وظیفه می‌کند که «من هم بروم یک نقطه‌ای از این سیاهی لشکر امام حسین علیه‌السلام و امام زمان علیه‌السلام بشوم» بالاخره عقل ما هم این را حکم می‌کند. وقتی مؤمنین برای یک امر مهمی همّت کردند، تقویت آن تجمع یک وظیفه است. یعنی می‌گویم: «یا اباعبدالله! به این جمعیت

---

۱. تهذیب الاحکام، ج۶، ص۵۲.

می‌پیوندم تا من هم یک قدمی برداشته باشم، حالاکه همه آمده‌اند، چرا من نباشم؟!» لذا یک‌دفعه‌ای این احساس وظیفه، فراگیر می‌شود.

## » چگونه اربعین به صلح جهانی کمک می کند؟

جدای از وظیفه فردی که پای ما را به اربعین باز می کند و به آن پایبند می کند؛ ما یک وظیفه جهانی داریم. من اگر می‌توانم با شرکت کردن در اربعین به صلح جهانی کمک کنم، به ظهور و تحقق عدالت کمک کنم- آن‌هم با حضور در یک تظاهرات چند ده میلیونی- چرا این کار را انجام ندهم؟! عقل به انسان می‌گوید این کار واجب است، عقل به انسان می‌گوید که هر چقدر عاطفه و انسان‌دوستی و دوراندیشی و جهان‌نگری داری، در این تظاهرات شرکت کن. امام حسین علیه‌السلام پرچم و نماد و عماد دین ماست، ما داریم با یک «مظلوم» کار را پیش می‌بریم.

ما نباید فکر کنیم که حضور ما در اربعین، صرفاً یک وظیفهٔ عبادیِ شخصی است. بلکه یک وظیفهٔ انسانی جهانی است. سال‌ها علیه اسلام تبلیغ کرده‌اند، یقیناً ما با هیچ فیلم سینمایی ارزشمندی، کاری که در اربعین می‌شود را نمی‌توانیم انجام دهیم(و این اثر را ندارد) اما جهانیان وقتی حضور میلیونی ما در اربعین را می‌بینند، می‌گویند: این کیست که مردم این‌طوری به خاطرش ایثار می‌کنند؟

ما بر اساس یک وظیفهٔ انسانی و جهانی برای برقراری صلح در عالم، برای تبلیغ اسلام ناب و برای مقابله با ستمی که در منطقه برای تخریب اسلام انجام می‌دهند، وظیفه داریم در این راهپیمایی اربعین شرکت کنیم. ما برای قدرت دادن به اسلام، وظیفه داریم در این راهپیمایی شرکت کنیم؛ اینها وظایف عقلانی ماست. آیا مگر در رسالهٔ عملیه نوشته که تظاهرات ۲۲ بهمن واجب است؟! ننوشته‌اند، اما علماء و مردم

احساس وظیفه می‌کنند و در این راهپیمایی شرکت می‌کنند.

## » آداب سفر زیارت کربلا

اگر بخواهیم از تمام آثار زیارت اربعین بهره مند بشویم باید آداب زیارت را هم رعایت کنیم. آداب عجیبی برای این سفر نورانی برشمرده‌اند. کسی نزد امام صادق علیه‌السلام آمد و گفت: «وقتی که ما خارج می‌شویم تا به زیارت جدّ شما امام حسین علیه‌السلام برویم، آیا ما در حجّ به سر می‌بریم؟ آیا این کاری که انجام می‌دهیم، شبیه کاری است که برای حجّ انجام می‌دهیم؟ حضرت فرمود: بله؛ قُلْتُ لَهُ إِذَا خَرَجْنَا إِلَی أَبِیکَ أَ فَکُنَّا فِی حَجٍّ قَالَ بَلَی»[1] گفت: «آیا بر ما لازم است، هر چیزی که بر حاجی لازم است؟ حضرت پرسیدند: دربارۀ چه مسائلی؟ گفت: از آن اموری که -عموماً- بر حاجی لازم است که رعایت کند؛ قُلْتُ فَیَلْزَمُنَا مَا یَلْزَمُ الْحَاجَّ قَالَ مِنْ مَا ذَا قُلْتُ مِن الْأَشْیَاءِ الَّتِی یَلْزَمُ الْحَاجَّ»[2]

حضرت فرمودند: بله همین‌طور است و بعد هم مواردش را برشمردند و فرمودند: «خوب همراهی کردن و مهربان بودن با همراهان بر تو لازم است. همچنین بر تو لازم است که حرف نزنی مگر حرفِ خوب و لازم. بر تو لازم است که ذکر خدا را زیاد بگویی، بر تو لازم است که لباست خوب و پاکیزه باشد. بر تو لازم است، نماز زیاد بخوانی و درود و صلوات بفرستی. و بر تو لازم است که چشمت را ببندی و اگر کسی حاجتی داشت، حاجتش را برآورده کنی و با برادران دینی خودت مواسات داشته باشی؛ قَالَ یَلْزَمُکَ حُسْنُ الصَّحَابَةِ لِمَنْ یَصْحَبُکَ وَ یَلْزَمُکَ قِلَّةُ الْکَلَامِ إِلَّا بِخَیْرٍ وَ یَلْزَمُکَ کَثْرَةُ ذِکْرِ اللَّهِ وَ یَلْزَمُکَ نَظَافَةُ الثِّیَابِ وَ یَلْزَمُکَ الْغُسْلُ قَبْلَ أَنْ تَأْتِیَ

---

۱. کامل الزیارات، ص۱۳۱.

۲. همان.

الْحَائِرَ وَ یَلْزَمُکَ الْخُشُوعُ وَ کَثْرَةُ الصَّلَاةِ وَ الصَّلَاةُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ یَلْزَمُکَ التَّوْقِیرُ لِأَخْذِ مَا لَیْسَ لَکَ وَ یَلْزَمُکَ أَنْ تَغُضَّ بَصَرَکَ وَ یَلْزَمُکَ أَنْ تَعُودَ إِلَی أَهْلِ الْحَاجَةِ مِنْ إِخْوَانِکَ إِذَا رَأَیْتَ مُنْقَطِعاً وَ الْمُوَاسَاةُ»[1] خوش به سعادت کسانی که در این مسیر، به خدمت کردن به زائرین اباعبدالله الحسین علیه‌السلام می‌پردازند.

## » امساک در خوردن و روزه گرفتن

در روایات دیگر هم -دربارهٔ آداب زیارت و مسیر کربلا- این موارد ذکر شده است: خشوع و تواضع به‌خرج دادن، کرامت نفس داشتن و پرهیز کردن از اینکه در بهره‌برداری از این ضیافت گسترده، زیاده‌روی شود. یک‌مقدار امساک در خوردن، جزء آداب این مسیر است. کمک به همسفرمان فقیر نیز جزء آداب این سفر است. همچنین امام صادق علیه‌السلام توصیه فرموده است که قبل از اینکه بخواهی از خانهٔ خودت به قصد کربلا عزیمت کنی، روز چهارشنبه و پنج‌شنبه و جمعه را روزه بگیر؛ إِذَا أَرَدْتَ الْمَسِیرَ إِلَی قَبْرِ الْحُسَیْنِ ع فَصُمْ یَوْمَ الْأَرْبِعَاءِ وَ الْخَمِیسِ وَ الْجُمُعَةِ... وَ أَقِلَّ مِنَ الْکَلَامِ وَ الْمِزَاحِ وَ أَکْثِرْ مِنْ ذِکْرِ اللَّهِ تَعَالَی وَ إِیَّاکَ وَ الْمِزَاحَ وَ الْخُصُومَةَ»[2] این را به کسانی که عزم سفر کربلا دارند بگویید که امام صادق علیه‌السلام توصیه فرموده است سه روز روزه بگیرید و بعد حرکت کنید.

---

۱. همان.

۲. کامل الزیارات، ص ۲۲۳-۲۲۵.

## » انتخاب محل مناسبی برای بدرقه و آغاز حرکت اتوبوس‌های زائرین

اینکه مؤمنین برای بدرقهٔ یک زائر کربلا جمع می‌شوند، در واقع توصیهٔ امام صادق علیه‌السلام است که فرمود: «فَإِذَا أَرَدْتَ الْخُرُوجَ فَاجْمَعْ أَهْلَكَ وَ وُلْدَكَ»[1] این یک سفر عادی نیست که اتوبوس مربوطه در ترمینال و در کنار اتوبوس‌های دیگر حرکت کند. بلکه خوب است هماهنگ کنند تا اتوبوس زائرین کربلا-مثلاً در روز جمعه- به فلان جا بیاید و از همانجا زائرین را سوار کند. و بدرقه کنندگان هم بیایند و خداحافظی کنند و کسانی که التماس دعا دارند هم بدانند که در این روزها و ساعت‌های مشخص، تعداد زیادی زائر به سمت کربلا حرکت می‌کنند و لذا می‌توانند بیایند و آنجا التماس دعا بگویند.

## » ترک شوخی نابه‌جا و خصومت

حضرت در ادامهٔ روایت فوق موارد دیگری از آداب زیارت کربلا را ذکر می‌کنند که خلاصه‌اش این است که زینت نکنید، یعنی در این سفر، به‌صورت تجملی حرکت نکنید، البته تمیزی و نظافت باید رعایت شود، ولی تجمل نباشد؛ این نظافت هم در آداب زیارت کربلا تصریح شده است. و بعد می‌فرماید: «وَ أَقِلَّ مِنَ الْكَلَامِ وَ الْمِزَاحِ وَ أَكْثِرْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ تَعَالَى وَ إِيَّاكَ وَ الْمِزَاحَ وَ الْخُصُومَةَ»[2] شوخی کردن نابه‌جا هم صحیح نیست؛ البته به‌طور کلی خوش‌مشرب بودن خوب است، ولی شوخی نابه‌جا و خصومت باید ترک شود.

---

۱. کامل‌الزیارات، ص۲۲۳.
۲. کامل‌الزیارات، ص۲۲۵.

ما به دنبال این هستیم که این زیارت اربعین، برای ما یک فرهنگ زیارت به ارمغان بیاورد. ما باید فرهنگ زیارت و به‌ویژه فرهنگ زیارت اربعین را بنیان‌گذاری کنیم. البته مقداری از آن، خودش شکل گرفته و ک مقدارش را هم خودمان باید شکل دهیم.

## » چه اشکالی دارد چند کلمهٔ صمیمانهٔ عراقی یاد بگیرید و در برخورد با آنها بیان کنید؟!

یکی از موکب‌داران محترم و شریف عراقی می‌گفت: من قبلاً با ایرانی‌ها خوب نبودم. حتی وقتی ایرانی‌ها با کاروان‌هایی برای زیارت عتبات به عراق می‌آمدند، و من آنها را می‌دیدم، هنوز دلم صاف نشده بود. تا اینکه این پیاده‌روی اربعین پیش آمد. وقتی ایرانی‌ها را در مسیر پیاده‌روی اربعین دیدم، خیلی به آنها علاقه پیدا کردم؛ دیدم اینها چقدر خاکی و مهربان هستند، اینها هم مثل خود ما رفتار می‌کنند.

دقت کنید که بالاخره در مسیر این پیاده‌روی، مردم(عراقی‌ها) دارند به رفتارهای ما نگاه می‌کنند. چه اشکالی دارد که چند تا کلمهٔ صمیمانهٔ عراقی یاد بگیرید و در برخورد با آنها بیان کنید؟! این کار محبت‌ها را تقویت می‌کند. گاهی آدم دوست دارد خم شود و دست آن فرد عراقی دلسوز و بامحبتی که به زائرین اباعبدالله الحسین علیه‌السلام غذا تعارف می‌کند را ببوسد. البته فرهنگ کشورها با هم فرق می‌کند. شاید در ایران اولین کاری که ما برای ابراز محبت انجام می‌دهیم، لبخند باشد. ولی آنها اولین کاری که انجام می‌دهند، کلمات بسیار محبت‌آمیزی است که به شما می‌گویند، ولی لبخند روی زبانشان نیست، لذا اگر معنای آن کلمات را ندانید، فکر می‌کنید که آنها هنوز شما را تحویل نگرفته‌اند.

آن موکب‌دار عراقی می‌گفت: «من در اربعین احساس بهتری -نسبت به ایرانی‌ها- پیدا کردم و الان عاشق ایرانی‌ها شده‌ام!» ایشان کلمات محبت‌آمیزی دربارهٔ ایرانی‌ها به‌کار می‌برد، ولی نمی‌توانست توضیح دهد که چرا این اتفاق برایش افتاده است؟ می‌گفت: «من می‌دیدم که ایرانی جماعت، به اینجا آمده است دارد پیاده راه می‌رود، و در این راه خسته می‌شود؛ برخی با سختی و برخی هم با زن و بچه آمده‌اند...»

## » در آخرالزمان این ارتباط قویِ عاطفی بین مؤمنین، باید دیده شود

مهمترین دریافتی که مردم خونگرم عراق -که این بنیان عظیم پیاده‌روی اربعین را به حقّ پی‌ریزی کرده‌اند و ما داریم از آنها پیروی می‌کنیم و پا، جای پای آنها می‌گذاریم- مهمترین دریافتی که مردم عراق باید از ما پیدا کنند، محبت بی‌نظیری است که ما به آنها داریم و باید این محبت را ابراز کنیم. وصف یاران امام زمان علیه‌السلام طبق آیهٔ قرآن این‌گونه است که می‌فرماید: «مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكافِرين»[۱] در اینجا اول می‌فرماید که آنها نسبت به دیگر مؤمنین، فروتن و مهربان هستند و خاکسارانه برخورد می‌کنند و بعد می‌فرماید که نسبت به کافران سخت می‌گیرند.

در آخرالزمان این ارتباط قویِ عاطفی بین مؤمنین، باید دیده شود. ما که می‌خواهیم به سفر اربعین برویم، باید خودمان را در ابراز محبت به برادران عراقی آماده کنیم. خدا شاهد است که این ابراز محبت، آن‌قدر نور تولید می‌کند و آن‌قدر قدرت تولید می‌کند که حدّ و حساب ندارد. مبادا از ابراز محبت غفلت کنیم!

۱. مائده، ۵۴.

## » یک نوحهٔ عربی زیبا برای تشکر از صاحبان موکب هنگام خداحافظی

قدیم‌ها وقتی دستهٔ عزاداری به یک هیاتی وارد می‌شد، وقتی می‌خواست برود، می‌آمدند دمِ در و با نوحه‌هایی این دسته را بدرقه می‌کردند. مثلاً می‌گفتند: «سینه‌زنان شاه دین؛ خوش‌آمدید، خوش‌آمدید...» همین رفتار، یک محبت زیبایی ایجاد می‌کرد. من خواهش می‌کنم: یک نوحه‌ای به زبان عربی درست کنید که وقتی جمع شما حرکت می‌کند و به یک موکبی می‌رسد و غذا تناول می‌کند، موقع بیرون رفتن، این نوحهٔ عربی را-برای خداحافظی با صاحبان موکب- خیلی کوتاه(در حدّ دو بیت) بخوانید و به سینه بزنید. تصور کنید که چه صحنهٔ قشنگی خواهد شد! اشک‌شان جاری می‌شود. این برخورد با محبت و باادب واقعاً زیباست.

## » اگر کسی نمی‌تواند بیاید، کمک‌ها و نذورات خودش را برای این سفر بدهد

ما باید فرهنگ‌سازی کنیم و آداب اربعین را پیاده کنیم و راه بیندازیم. این آداب مثل خط‌کشی‌های خیابان است که روابط را تنظیم می‌کند. در زمینهٔ اربعین هر کسی هر کاری از دستش بر می‌آید انجام دهد. ما در طول تاریخ اسلام، نظیر چنین جمعیت باعظمتی را نداشتیم که مصداق «وَ مَنْ یُعَظِّمْ شَعائِرَ اللَّهِ فَإِنَّها مِنْ تَقْوَی الْقُلُوبِ»[۱] باشد. مردم را تهییج کنید و راهنمایی کنید که اگر کسی نمی‌تواند بیاید، کمک‌ها و نذورات خودش را برای این سفر بدهد. اگر خودتان هم نتوانستید به سفر اربعین بروید، بالاخره یک

---

۱. حج،۳۲.

خرجی برای زائران اربعین بدهید. طبق روایات کسی که خودش نمی‌تواند وظیفه‌اش را انجام دهد و به زیارت برود، اگر خرجی فرد دیگری را بدهد، ثواب زیارت را خواهد برد. و ثواب‌های بسیار عظیمی برای خرجی که در مسیر زیارت امام حسین علیه‌السلام داده می‌شود ذکر شده است.

## » اگر روز قبل یا بعد از اربعین هم برسید، ثواب زیارت اربعین را خواهید برد

یکی از نکاتی که در باب زیارت اربعین باید گفت این است که واقعاً علمای عراق- بنا به آنچه در میان مردم عراق به نقل از علما و حضرت آیت الله سیستانی مشهور است- به حق و به شایستگی اعلام فرموده‌اند که اگر می‌خواهید ثواب زیارت اربعین را ببرید، حتماً لازم نیست که روز اربعین بیایید. بسیاری از شیعیان عراق پنج یا هفت روز قبل از اربعین زیارت می‌کنند و برمی‌گردند. لذا اگر روز قبل و بعد از اربعین هم برسی و زیارت کنید و برگردید، هیچ ایرادی ندارد و از ثواب زیارت بهره‌مند شده‌اید.

این‌مقدار پراکندگی خوب است و الا در بازگشت اگر همه بخواهند همان فردای اربعین برگردند، ازدحام عجیب و غریبی ایجاد می‌شود. کاروان‌دارهای محترم از همان اول برنامه‌ریزی کنند؛ هیچ اشکالی ندارد که فردای اربعین به کربلا برسند. چون باز هم به‌طور کامل ثواب زیارت اربعین را خواهند برد و جزء آن جمعیت باعظمت به‌حساب خواهند آمد.

## » مقید نباشید حتماً دست به ضریح برسانید

ما ایرانی‌ها خیلی مقید هستیم که وقتی به داخل حرم مطهر می‌رویم، حتماً دست به ضریح برسانیم و شاید بخواهیم به اندازۀ یک زیارت امین‌الله کامل هم کنار ضریح بایستیم! اینها تقیداتی است که ما از

خودمان درست کرده‌ایم که انصافاً صحیح نیست؛ نباید کسی اذیت شود. البته معلوم است که اگر راه باز باشد، آدم جلوتر می‌رود.

حتی در روایات آمده است که وقتی برای زیارت می‌روید، اگر شلوغ بود و نتوانستید زیاد جلو بروید-مثلاً اگر در داخل صحن حرم هستید- همان‌جا را ضریح مطهر به‌حساب بیاورد. در ایام اربعین ممکن است تا بین الحرمین بروید و دیگر نتوانید جلوتر بروید؛ لذا همان‌جا را ضریح به‌حساب بیاورید و گریه و عزاداری خودتان را انجام دهید و برگردید. ضمن اینکه در سفر اربعین، همان لحظهٔ اول که در این مسیر نورانی قدم بر می‌دارید، واقعاً یک حسّ و حال دیگری است؛ حسّ و حالی که گاهی در خودِ بقعهٔ مبارکه هم ممکن است برای انسان پیش نیاید.

## » نوحه‌های زمان اوج اقتدار با نوحه‌های دوران مظلومیت باید فرق داشته باشد

نکتهٔ دیگر دربارهٔ نوحه‌ها و روضه‌ها و محتوایی است که در این سفر می‌خواهیم از آنها استفاده کنیم. باید دست ذاکرین اهل‌بیت علیهم‌السلام و مادحین و شاعران را بوسه زد که در این امر شریف خدمت می‌کنند. ولی باید توجه شود بالاخره الان که برای زیارت امام حسین علیه‌السلام می‌رویم، باید نوحهٔ ما با نوحه‌هایی که ۴۰-۵۰ سال پیش خوانده می‌شد- آن زمان‌هایی که آرزو داشتیم به زیارت کربلا برویم- فرق داشته باشد. ما الان که در اوج اقتدار به زیارت می‌رویم، باید نوحه‌های‌مان با زمانی که در اوج مظلومیت به زیارت می‌رفتیم، فرق داشته باشد.

ما دیگر الان نباید این‌طور نوحه بخوانیم که «ای امام حسین علیه‌السلام ، من آرزو دارم به زیارت کربلا بیایم!» بلکه باید بگوییم: «ای امام حسین علیه‌السلام ، من این وظیفه را هرگز ترک نخواهم کرد» یا نباید بگوییم: «به من توفیق

بده، یک‌بار به حرمت بیایم!» بلکه بگوییم: «ای امام حسین! من هر سال باید به حرمت بیایم، یک‌وقت این توفیق از من سلب نشود!»

ادبیات اقتدار امت اسلامی و ادبیات حماسی، بیشتر باید در زیارت اربعین جاری باشد. شما این جمعیت را نگاه کنید! اگر این جمعیت شما در تاریخ اسلام بود که ذره‌ای غبار غربت به دین نمی‌نشست. ما باید ادبیات خودمان را تغییر دهیم.

## » ما در این سفر باید اذن جهاد بگیریم

شما ببینید مزه و معنای اقتدار چقدر در این کلام اباالفضل العباس علیه‌السلام جاری است که -در نقلی هست در روز عاشورا- به امام حسین علیه‌السلام عرض کرد: «سینهٔ من از این منافقین تنگ شده است، اجازه بدهید بروم انتقام خون شهدا را بگیرم؛ قَدْ ضَاقَ صَدْرِی وَ سَئِمْتُ مِنَ الْحَیَاةِ وَ أُرِیدُ أَنْ أَطْلُبَ ثَأْرِی مِنْ هَؤُلَاءِ الْمُنَافِقِین»[1]

ما در این سفر باید اذن جهاد بگیریم، باید برای ظهور دعا کنیم. باید برای انتقام خون امام حسین علیه‌السلام دعا کنیم. این اقتدار امت اسلامی باید اینجا دیده شود، تا کسانی که زیارت اربعین می‌آیند، بگویند: «حسّ خوبی پیدا کردیم، و نه‌تنها برای امام مظلوم اشک ریختیم، بلکه احساس اقتدار امت اسلامی در وجودمان آمد» و آن ماجرای مظلومانهٔ حج، و آن عروج مؤمنانی که نمی‌توانستند از خودشان دفاع کنند، واقعاً جبران بشود. ما باید این را مظهر قدرت اسلام قرار بدهیم، نه مظهر ضعف جامعهٔ اسلامی.

---

۱. بحارالانوار، ج۴۵، ص۴۱.

## » در اربعین، روضه‌ها باید حماسی باشد

در اربعین باید روضه‌های مقتدرانه خواند؛ روضه‌هایی که بوی حماسه می‌دهند. مثلاً وقتی روضۀ حضرت رباب علیهاالسلام خوانده شود، اگر خواستیم زبان حال بگوییم، این‌طور بگوییم که حضرت رباب عرض می‌کند: «یا اباعبدالله علیه‌السلام! سرت را بالا بگیر، علی اصغرم به فدای تو، اگر فرزند دیگری داشتم و علی اصغرِ دیگری داشتم، فدای تو می‌کردم...» اینها شبیه رجزهای مادران شهداست که الان در منطقه در همین مسیر پیاده‌وری با شما خواهند بود.

در اربعین، روضه‌ها باید حماسی باشد. شما آمده‌اید که بگویید: «یا زینب! دیگر غربت به پایان رسید» ما باید این را در روضه‌ها و نوحه‌های‌مان بگوییم که «غربت به پایان رسید».[1]

---

۱. ۱۹/۰۸/۹۴، مکان: همایش آیت‌الایمان | سالن همایش سازمان حج و زیارت، دسترسی در: «http://panahian.ir/post/۳۴۴۵»

## • مبحث دوم: «هم دلی؛ در زیارت اربعین»

## » «زیـارت اربعین» جرقـه‌ای به انبـار انـرژی‌هـای متراکم مؤمنین

شما در بـاب اهمیت زیـارت امـام حسین علیه‌السلام روایـات زیـادی را از ائمهٔ هدی علیهم‌السلام شنیده‌اید. در میان همهٔ این روایت‌ها که انرژی متراکمی را در امت اسلامی ایجاد می‌کنند، روایت زیارت اربعین که فرمود: « یکی از علامت های مومن زیارت اربعین است؛ عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ...وَ زِیَارَةُ الْأَرْبَعِینَ»[1] مانند جرقه‌ای بود که گویی به یک انباری از این انرژی‌های متراکم اصابت کرد و در زمانی که مؤمنینِ راه حسین علیه‌السلام قدرت دفاع از خودشان را دارند، منجر به تجلی زیارت اربعین شد.

برای اینکه آن انبار مهمات یا آن انرژی متراکم برآمده از روایات و سفارشات اولیاء خدا برای زیارت امام حسین علیه‌السلام را بهتر بشناسیم، بنده دو روایت از میان این روایات را برای شما قرائت می‌کنم. شاید اگر این

۱. تهذیب‌الاحکام، ج۶، ص۵۲.

روایت سال‌های پیش بیان می‌شد، یک‌مقدار مبالغه‌آمیز تلقی می‌شد. ولی الان باتوجه به اینکه زیارت اربعین دیگر نیازی به تبلیغات ندارد و قدرت حماسهٔ اربعین، آثار بابرکت خودش را به نمایش گذاشته، دیگر کسی تصور نمی‌کند که این روایات را در باب تبلیغ اربعین یا تحریک مردم به حضور در پیاده‌روی اربعین یا حتی برای تبلیغ کردن زیارت امام حسین علیه‌السلام قرائت می‌کنیم.

## » فضیلت زیارت امام حسین علیه‌السلام بالاتر است یا شهادت؟

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «زیارت امام حسین علیه‌السلام بافضیلت‌ترین عملی است که انسان می‌تواند انجام دهد؛ إِنَّ زِیَارَةَ الْحُسَیْنِ ع أَفْضَلُ مَا یَکُونُ مِنَ الْأَعْمَالِ»[۱] و در روایات دیگری این مضمون آمده است که بالای هر کار خوبی، یک کار خوبی هست، تا زمانی که فرد در راه خدا به‌شهادت برسد؛ فَوْقَ کُلِّ ذِی بِرٍّ بَرٌّ حَتَّی یُقْتَلَ الرَّجُلُ فِی سَبِیلِ اللَّهِ»[۲] حالا این سؤال پیش می‌آید که فضیلت زیارت امام حسین علیه‌السلام بالاتر است یا شهادت؟

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «وقتی زائر به زیارت حسین علیه‌السلام پرداخت، هنگام بازگشت، هیچ گناهی بر او باقی نمی‌ماند، و او به مقامی می‌رسد که کسی که در راه خدا به خون خود آغشته شده، به آن مقام نمی‌رسد؛ یَنْصَرِفُ وَ مَا عَلَیْهِ ذَنْبٌ وَ قَدْ رُفِعَ لَهُ مِنَ الدَّرَجَاتِ مَا لَا یَنَالُهُ الْمُتَشَحِّطُ بِدَمِهِ فِی سَبِیلِ اللَّهِ»[۳] پس طبق این روایت، کسی که به زیارت امام حسین علیه‌السلام برود، می‌تواند به مقامی برسد که شهید در راه خدا نمی‌تواند به آن مقام برسد؛ این ظرفیت معنوی زیارت امام حسین علیه‌السلام است.

---

۱. کامل الزیارات، ص ۱۴۷.
۲. کافی، ج ۲، ص ۳۴۸.
۳. کامل الزیارات، ص ۲۹۸.

## » اجر هزار شهید از شهدای بدر را برایش می‌نویسند

امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: «اگر مردم می‌دانستند که در زیارت امام حسین علیه‌السلام چه فضیلت‌ها و ارزش‌هایی هست، از شوق، جان می‌دادند و از شدت حسرت (از اینکه به زیارت نرفته‌اند) قالب تهی می‌کردند؛ لَوْ یَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِی زِیَارَةِ قَبْرِ الْحُسَیْنِ ع مِنَ الْفَضْلِ لَمَاتُوا شَوْقاً وَ تَقَطَّعَتْ أَنْفُسُهُمْ عَلَیْهِ حَسَرَاتٍ»[۱] از حضرت پرسیدند: در این زیارت چه فضیلت‌هایی هست؟ حضرت فرمود: «کسی که با شوق به زیارت حسین علیه‌السلام برود، هزار حجِ قبول‌شده و هزار عمرهٔ پرارزش را برایش می‌نویسند و اجر هزار شهید از شهدای بدر را برایش می‌نویسند؛ مَنْ أَتَاهُ تَشَوُّقاً کَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَلْفَ حِجَّةٍ مُتَقَبَّلَةٍ وَ أَلْفَ عُمْرَةٍ مَبْرُورَةٍ وَ أَجْرَ أَلْفِ شَهِیدٍ مِنْ شُهَدَاءِ بَدْرٍ»[۲] شما می‌دانید که تعداد شهدای بدر بسیار کم است؛ ولی اجرشان خیلی بالاست، چون در ایمان به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله سبقت گرفته بودند و در اوج غربت اسلام، به دفاع از اسلام پرداخته بودند.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «برای شما که پیاده به سمت کربلا می‌روید، هر قدمی که برمی‌دارید و می‌گذارید، بابت هر قدم، ثواب یک شهید که در راه خدا به خون خود آغشته شده، عنایت خواهد شد؛ فَلَکَ بِکُلِّ قَدَمٍ رَفَعْتَهَا أَوْ وَضَعْتَهَا کَثَوَابِ الْمُتَشَحِّطِ بِدَمِهِ فِی سَبِیلِ اللَّهِ»[۳]

---

۱. همان، ص ۱۴۲.
۲. همان.
۳. کامل الزیارات، ص ۲۰۷.

## » چرا در روایات، ثواب زیارت حسین علیه‌السلام با ثواب شهادت مقایسه شده؟

حالا چرا باید ثواب زیارت امام حسین علیه‌السلام با ثواب شهادت، مقایسه شود؟ این موضوع، خیلی قابل تأمل است. نباید از کنار چنین روایاتی ساده عبور کرد.

مهمترین کارکرد اجتماعی شهادت، ایجاد امنیت برای امت اسلامی و ایجاد اقتدار برای جامعهٔ دینی است. از سوی دیگر، حضرت امام(ره) می‌فرماید: «انگیزه این گریه و این اجتماع در مجالس روضه را خیال نکنید فقط این است که ما گریه کنیم برای سیدالشهدا...این مجلسها مردم را همچو مجتمع می‌کنند... این جنبهٔ سیاسی این مجالس بالاتر از همهٔ جنبه‌های دیگری که هست. بیخود نمی‌گویند ائمهٔ ما به اینکه هر کس که بگرید، بگریاند یا صورتِ گریه کردن به خودش بگیرد اجرش فلان فلان است. مسئله، مسئلهٔ گریه نیست. مسئله، مسئلهٔ تباکی نیست. مسئله، مسئلهٔ سیاسی است که ائمهٔ ما با همان دیدِ الهی که داشتند، می‌خواستند که این ملت‌ها را با هم بسیج کنند و یکپارچه کنند از راه‌های مختلف. اینها را یکپارچه کنند تا آسیب‌پذیر نباشند»[1]

همچنین حضرت امام می‌فرماید: «همین گریه‌هاست که کارها را پیش برده، همین اجتماعات است که مردم را بیدار می‌کند»[2] طبق فرمایش امام، یکپارچگی ملت‌ها، جلوی آسیب دیدن آنها را می‌گیرد و این یکپارچگی را هیچ‌کسی مثل امام حسین علیه‌السلام نمی‌تواند ایجاد کند.

حضرت امام در جای دیگری می‌فرماید: «این هماهنگی که در تمام

---

۱. صحیفه امام، ج۱۳، ص۳۲۳.

۲. همان.

ملت ما در قصۀ کربلا هست، این بزرگترین امر سیاسی است در دنیا. و بزرگترین امر روانی است در دنیا. تمام قلوب با هم متحد می‌شوند. اگر خوب راهش ببریم، ما برای این هماهنگی پیروز هستیم. و قدر این‌را باید بدانیم»[1] حضرت امام(ره) ظرفیت عزاداری امام حسین علیه‌السلام را به‌خوبی می‌دیدند. آن وقتی امام می‌فرماید «این اجتماعات، بزرگترین امر سیاسی در دنیاست» هنوز خبری از این تظاهرات ۲۰ میلیونی اربعین نبود، و امام، این صدها میلیون غذایی که بین زائرین اربعین توزیع می‌شود را ندیده بودند.

## » امت اسلامی برای نفَس کشیدن خودش نیاز به اقتدار و امنیت دارد

ما هر کاری بخواهیم انجام دهیم، نیاز به قدرت داریم؛ نیاز به اقتدار امت اسلامی داریم. امت اسلامی قبل از اینکه بخواهد فرهنگ‌سازی کند، نیاز به اقتدار دارد، قبل از اینکه بخواهد اقتصاد خودش را سامان دهد، نیاز به اقتدار دارد، قبل از اینکه بخواهد تمدنِ عظیمی را پی‌ریزی کند، نیاز به اقتدار دارد، نمی‌شود این امت در اوج ضعف بنشیند و برای یک تمدن عظیم، اندیشه کند یا بخواهد مقدمات یک تمدن عظیم را فراهم کند.

امت اسلامی برای نفَس کشیدن خودش نیاز به اقتدار و امنیت دارد، و شما الان در این منطقه مشاهده می‌کنید که چه وضعیتی وجود دارد!

---

۱. صحیفه امام، ج۱۱، ص۹۹.

## « «اقتدار پایدار» جز با حضور مردم؛ آن‌هم با قلب‌های متحد، تحقق پیدا نمی‌کند

خُب امت اسلامی این اقتدار و امنیت را از کجا باید به‌دست بیاورد؟ بهترین نوع اقتدار و اساساً اقتدار پایدار، جز با حضور مردم؛ آن‌هم با قلب‌های متحد، تحقق پیدا نمی‌کند. حکومت‌ها هرچقدر هم مقتدر باشند، بدون مردم برای تأمین امنیت، کاری از پیش نمی‌برند؛ چه امنیت داخلی و چه امنیت خارجی(لبِ مرزها) بدون مردم امکان ندارد. و مردم هم اگر بخواهند وارد صحنه شوند، بدون اتحاد قلبی امکان ندارد.

این مطلب را حضرت ولی عصر عجّل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف بسیار حکیمانه بیان فرموده‌اند و برای ظهور خودشان، چنین مقدمه‌ای را لازم دانسته‌اند. حضرت می‌فرماید: «اگر شیعیان ما-که خدا آنها را بر طاعت خودش موفق بدارد- با هم جمع شوند و قلب‌های‌شان را با هم متحد کنند برای اینکه آن عهدی که با ما دارند وفا کنند، دیگر مژدهٔ ملاقات ما به تأخیر نخواهد افتاد و دیدار ما برای آنها سرعت خواهد گرفت؛ لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَّقَهُمُ اللَّهُ لِطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمُ الْيُمْنُ بِلِقَائِنَا وَ لَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا»[۱]

## « چه کسی می‌تواند بگوید که تجمع اربعین، علامت نزدیک شدن ظهور نیست؟

چه کسی می‌تواند بگوید که تجمع اربعین، علامت نزدیک شدن ظهور نیست؟ چه کسی می‌تواند چنین تصور کند؟ خداوند از ما انتظار فراوان ندارد؛ البته ما کاستی‌های فراوانی داریم که باید درست کنیم ولی خدا

---

۱. احتجاج، ج۲، ص۴۹۹.

خودش باید کمک کند. اما شرط کمک خدا چیست؟ شرط اینکه خدا کارهای ما را سامان دهد و مساعدت خدا به ما برسد چیست؟ شرطش این است که ما بتوانیم این «اجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ»[۱] را برای وفای به آن عهد، انجام دهیم، و شما در اربعین دقیقاً همین را می‌بینید.

تجمع مردم در اربعین با تجمع مردم در مترو فرق می‌کند! آنجا همه یک‌دل هستند، همه یک‌چیز می‌خواهند. هر کدام از آنها نمی‌خواهد منفعتی برای خودش بگیرد و برود. همه برای یک نفر و یک جریان، در آنجا جمع می‌شوند. در زیارت اربعین می‌گویند: «وَ نُصْرَتِی لَكُمْ مُعَدَّةٌ»[۲] یعنی نصرت و یاری من برای شما آماده است.

## » راه‌های سعادت ملت‌ها چیست؟

شما راه‌های سعادت یک ملت، راه‌های سعادت ملت‌ها و کلِ بشریت را- به‌طور مختصر- بشمارید؛ مثلاً اینکه نخبگان ملت باید افراد فهیمی باشند و طالب سعادت مردم باشند. یا اینکه نخبگان باید اهل اقدام باشند و انگیزۀ نجات امت خودشان را داشته باشند. تودۀ مردم هم باید بفهمند و انگیزۀ اقدام داشته باشند. تودۀ مردم-جدای از فهم- باید از فرهنگ بالایی هم برخوردار باشند تا این فرهنگ صحیح، انگیزۀ عمل را در مردم ایجاد کند و آن را هدایت کند.

علاوه بر موارد فوق، «برنامۀ خوب» هم لازم است. یک برنامۀ خوب اگر نباشد، نخبگان و توده‌ها، هر دو درجا خواهند زد و به موفقیت نخواهند رسید. علاوه بر اینها، موقعیت مناسب هم باید فراهم باشد، امکانات لازم هم باید باشد. علاوه بر اینها شما می‌توانید عوامل دیگری را هم به‌عنوان عوامل تضمین‌کنندۀ سعادت یک ملت، برشمرید.

---

۱. همان.

۲. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۱۴.

## » عدم کارآیی عوامل سعادت یک ملت بدون «اجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ»

همهٔ عوامل فوق هم اگر باشد، تا وقتی «اجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ» نباشد، آیا این عوامل کارآیی دارند؟! چرا ما هزاران حرف خوب را با هم یکسان می‌دانیم و برتری یک حرف خوب را نسبت به حرف‌های خوب دیگر، درنظر نمی‌گیریم؟ چرا ملت‌ها را در میان حرف‌های خوبِ متعدد، سرگردان می‌کنیم تا از همهٔ حرف‌های خوب، دل‌زده بشوند؟

مهمترین عاملی که یک ملت را بدبخت می‌کند و به خاک سیاه می‌نشاند، راه‌های باطلی که آنها طی می‌کنند، نیست، بلکه فراوانی سخنان حقی است که مردم ترجیح این سخنان حق را بر یکدیگر، تشخیص ندهند.

## » سمّی مهلک برای انسان یا جامعه

سمّ مهلک برای یک انسان و یک جامعه این است که برتری دو خیر، یا برتری دو حق نسبت به همدیگر تشخیص داده نشود. کمااینکه در روایت فرمود: «لَیْسَ الْعَاقِلُ مَنْ یَعْرِفُ الْخَیْرَ مِنَ الشَّرِّ وَلَكِنَّ الْعَاقِلَ مَنْ یَعْرِفُ خَیْرَ الشَّرَّیْن»[1]

آن‌چیزی که دارد موجب بدبختی افراد در جامعهٔ ما می‌شود و موجب بدبختی یک جامعه می‌شود و در جامعهٔ ما موجب آسیب‌های فراوان شده، حرف غلط نیست، بلکه عدم تشخیص برتری یک حرف صحیح بر حرف صحیح دیگری است که از نظر رتبه و ارزش، ذیل آن قرار می‌گیرد. اما بنده همین الان اگر بخواهم -برای مطلب فوق- مثالی بزنم، حتماً هجمه‌های فراوانی از این سوی و آن‌سوی، از جانب کسانی که اهل

۱. بحارالانوار، ج۷۵، ص۶.

تشخیص اولویت‌ها نیستند، آغاز خواهد شد.

## « «اجتماع قلوب» را به‌سختی می‌توان به‌دست آورد

من از شما سؤال می‌کنم: در بین عوامل سعادت یک ملت، کدام‌یک از عوامل کلیدی‌تر هستند؟ کدام‌یک از عوامل را به سختی می‌شود فراهم کرد؟ کدام‌یک از عوامل، عامل فراهم آوردنِ دیگر عوامل است؟ همان‌طور که امام زمان علیه‌السلام فرمود؛ آن عاملی که موجب نزدیک شدن ظهور می‌شود «اجتماع قلوب برای وفای به عهد» است. این عامل مهمتر از دیگر عوامل است؛ آورندهٔ دیگر عوامل است، تقویت‌کنندهٔ دیگر عوامل است، مؤثر قراردهندهٔ دیگر عوامل است، و دیگر عوامل، بدون این عامل، کارآیی ندارند، و هیچ عامل دیگری، کارآیی این عامل را ندارد. و البته این عامل به سختی می‌تواند به‌دست بیاید.

## « «اجتماع قلوب» یک حسینِ شهید در میان یک امت می‌خواهد که مزارش محل اجتماع دل‌ها باشد

شما این عامل را به این سادگی نمی‌توانید در بین نمازخوان‌های یک مسجد پیدا کنید؛ «اجتماع قلوب» به‌واسطهٔ نماز خواندن، به این سهولت به‌دست نمی‌آید. «اجتماع قلوب» به‌واسطهٔ قرآن خواندنِ یک گروه در کنار یکدیگر به‌سهولت به‌دست نمی‌آید. «اجتماع قلوب» یک حسینِ شهید در میان یک امت می‌خواهد که مزار او محل اجتماع دلها باشد و زیارت‌نامه‌ای که در اوج آن بگویند: «وَ نُصْرَتِی لَکُمْ مُعَدَّةٌ؛ من برای کمک کردن به شما آماده‌ام»[1] در این صورت است که «اجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ

---

۱. زیارت نامه اربعین.

فِی الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ»[1] تحقق پیدا می‌کند.

## » بسیاری از نخبگان و مسئولین جامعه اربعین را جدی نگرفته‌اند

اگر ما این موضوع را جدی می‌گرفتیم، و مسئولین فرهنگی و اقتصادی جامعه -و مسئولین جامعه در ابعاد مختلف- این عامل را جدی می‌گرفتند، الان مسیر راه آهن را در سه چهار شاخه، بین ایران و عراق، هموار کرده بودند، و مسیر رفت و آمد پیادهٔ مردم برای میعادگاه اربعین را در اطراف کربلا، در ده‌ها جادهٔ مخصوص پیاده‌روی، هموار کرده بودند، که چرا میلیون‌ها نفر از ایران اسلامی به‌سهولت در این سفر نروند و نیایند؟ مگر این سفر، یک سفر توریستی است؟!

بسیاری از نخبگان و مسئولین جامعهٔ ما این حرف را شوخی می‌گیرند که اجتماع قلوب، در کنار کربلای امام حسین علیه‌السلام -که جای دیگری به این سهولت قابل تحقق نیست- عامل سعادت این ملت در همهٔ ابعاد است. ولی این حرف را شوخی می‌گیرند!

به شما اطمینان می‌دهم که بسیاری از نخبگان ما، به قدر کافی دربارهٔ همین احادیث -که پاداش زائر حسین علیه‌السلام را در حد شهادت اعلام می‌فرماید- ذره‌ای اندیشه نکرده‌اند، و یا اگر اندیشیده‌اند، اندیشهٔ آنها به جایی نرسیده است. اینها را شوخی می‌پندارند! البته همه احترام ائمهٔ هدی علیهم‌السلام را حفظ می‌کنند، ولی اگر بسیاری از این افراد، مقابل این کلام امام صادق علیه‌السلام می‌نشستند، حتماً جزء استهزاءکنندگان اولیاء خدا قرار می‌گرفتند! چه کسانی اولیاء خدا را مسخره می‌کنند؟ کسانی که عقل‌شان به عمق کلام اولیاء خدا نمی‌رسد، لذا مسخره می‌کنند.

۱. احتجاج، ج۲، ص۴۹۹.

## » این اجرها چه تأثیری در سرنوشت یک ملت دارد؟

من از مسئولین جامعه، از نخبگان و کسانی که کار در دستشان هست، تقاضا می‌کنم که از خودشان سؤال کنند: آیا این اجرهای معنوی بسیار بالایی که برای زیارت امام حسین علیه‌السلام و برای پیاده رفتن به این زیارت-در روایات-بیان شده را باور می‌کنند یا نه؟ اگر باور می‌کنند، بگویند که وقتی اجری معادل اجر شهادت برای هر قدم زائر پیادهٔ کربلا گذاشته‌اند، این چه تأثیری در سرنوشت یک ملت دارد؟ اگر این‌را می‌دانند، امکانات بیشتری برای رفتن مردم به این زیارت، فراهم کنند.

اربعین موقع جمع‌آوری پول برای حل مشکلاتِ دیگر مملکت نیست!

اربعین موقع جمع‌آوری پول برای حل مشکلاتِ دیگر مملکت نیست. مسئولین نباید اربعین را فرصتی تلقی کنند برای اینکه به‌طور مستقیم بخواهند عوارضی دریافت کنند؛ برای حل دیگر مشکلات! اربعین زمانی است که دولت و دلتمردان، اگر دانایی به‌خرج بدهند، باید برای حضور مردم یارانه پرداخت کنند. بگذارند مردم، در این سفر ساده‌تر از هر سفر دیگری، حضور پیدا کنند. نور و معرفت و برکت، از این سفر به ارمغان بیاورند و-در نتیجهٔ آن- هزاران گرفتاری دیگر، در مملکت برطرف شود.

## » اربعین فرصتی برای اندیشیدن اندیشمندان دربارهٔ آثار محبت و زیارت حسین علیه‌السلام

آیا واقعاً زیارت اربعین، با حضور میلیونی مردم، گرفتاری‌های دیگر را برطرف می‌کند؟ اگر برطرف نمی‌کند، چرا ائمهٔ هدی علیهم‌السلام اجری معادل اجر شهادت برای هر قدمِ آن، اعلام کرده‌اند؟ آیا اینها جای اندیشیدن ندارد؟

فکر می‌کنم ما هنوز نیاز داریم به اینکه دربارۀ امام حسین علیه‌السلام و آثار شهادت او و محبت به او و زیارت مرقد منوّر او، اندیشه کنیم. بنده یک زمان و مکانی را به اندیشمندان جامعه پیشنهاد می‌کنم که دربارۀ این موضوع بیندیشند؛ در سه روز پیاده‌روی به سوی کربلا، فرصت اندیشیدن در این‌باره هست. این مکان، بهترین مکان برای اندیشیدن است. در میان ناله‌ها و شورِ زائرین، در مسیر پیاده‌روی اربعین، بهترین فرصت‌ها برای اندیشیدن پدید می‌آید که در هیچ‌جای دیگری، این‌همه تعقل و تفکر، امکان‌پذیر نیست.

## » درک برخی از معجزه‌ها، نیاز به اندیشه دارد

ما متدینین، گاهی به معجزه هم معتقدیم؛ معجزات زیادی در اطراف ما رخ می‌دهد، مثل معجزه‌ای که در دل‌های تک تک ما-در جریان سوگواری و عزادار بودن برای امام حسین علیه‌السلام- اتفاق افتاده است که دیدن و درک این معجزه‌ها نیاز به اندیشه دارد. ممکن است فکر کنید که خیلی از معجزه‌ها برای عوام است؛ بله در قدیم، خیلی از معجزه‌ها برای عوام بود؛ مثل زنده کردن مردگان توسط حضرت عیسی علیه‌السلام. اما معجزات دین ما برای خواص و اهل اندیشه است. مثلاً اگر کسی اهل اندیشه نباشد، فرق بین قرآن و دیوان حافظ و مولوی را چطور می‌خواهد بفهمد؟! او می‌گوید: همۀ اینها حرف‌های خوبی زده‌اند!

درک برخی از معجزه‌ها، کارِ هوشمندان جامعه است. متاثر شدن از برخی معجزه‌ها، نیاز به تفکر و تعقل دارد، و بزرگ‌ترین معجزه‌ای که الان در دین ما وجود دارد، معجزۀ قلب‌هایی است که متأثر از حماسۀ عاشورا هستند؛ آن‌هم بعد از ۱۴۰۰ سال! اگر پدری بخواهد برای دختر سه‌سالۀ خودش گریه کند و خدا به این پدر، عمر حضرت نوح را بدهد، بعد از چند

سال اشک او-برای فرزندش- خشک خواهد شد و بیشتر نمی‌تواند گریه کند.

این مردمی که نه هیچ‌کدام پدر یا برادر یا خواهر امام حسین علیه‌السلام بوده‌اند، چرا دست از گریه کردن برای او بر نمی‌دارند و دست خودشان هم نیست؟ آیا این معجزه نیست؟ ما اگر در کنار حضرت موسی علیه‌السلام بودیم و او با عصای خودش رود نیل را می‌شکافت، می‌گفتیم: یک معجزهٔ الهی دیده‌ایم! ولی آیا رود نیل مهمتر است یا قلب آدم‌ها؟ امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «کوه‌ها راحت‌تر جابه‌جا می‌شوند تا قلب انسان؛ إزالَةُ الجِبالِ أهوَنُ مِن إزالَةِ قَلبٍ عَن مَوضِعِهِ»[1]

**» هیچ اندیشمندی نمی‌تواند بگوید: این مردم را فریب داده‌اند که به پیاده‌روی اربعین می‌روند!**

الان شما در معرض دیدن چیزی بالاتر از شکافته شدن رود نیل هستید. این معجزه‌ها خرافات نیست. از اندیشمندان عالم بپرسید: «چگونه این‌طوری شده؟» هیچ اندیشمندی نمی‌تواند بگوید: «با تبلیغات این‌طوری شده است!» خُب اگر با تبلیغات این‌طوری شده، چرا آنهایی که تمام ابزار تبلیغات در دستشان هست، نمی‌توانند یک نمونه‌ای مشابه این درست کنند؟ آیا می‌توانند تبلیغات کنند و مردم را برای موضوع دیگری این‌طور بگریانند؟!

اگر این مردم را فریب داده‌اند که به پیاده‌روی اربعین رفته‌اند، خُب شما گروه دیگری را-در جای دیگری از دنیا- فریب دهید و ببرید، شما که اگر بتوانید حتماً این‌کار را انجام می‌دهید! اگر این مردم فریب خورده‌اند و به اجر اُخروی-به‌صورت خرافی- امیدوار شده‌اند و آمده‌اند صدها

۱. تحف‌العقول، ص۳۵۸.

میلیون غذای زائران را تأمین می‌کنند، خُب شما هم در یک مکتب و مسلک دیگری، مردم را فریب دهید که بیایند و مثلاً ده‌ها میلیون غذا بدهند و اشک بریزند و از عزاداران منّت بکشند که غذای آنها را تناول کنند!

## » همان‌طور که قرآن معجزه است، در بخش عترت هم امام حسین علیه‌السلام معجزه است

شما که با «الله اکبر» گفتن، چنین تروریست‌هایی در منطقه درست کرده‌اید، اگر می‌توانید این کار را هم انجام دهید و مردم را بفریبید و آنها را عاشقانه دورِ مزار یک کسی، جمع کنید! ولی این‌کار واقعاً در جای دیگر، شدنی نیست! اینجاست که این معجزۀ بزرگ دین ما در بخش عترت، خودش را نشان می‌دهد؛ همان‌طوری که قرآن معجزه است، در بخش عترت هم امام حسین علیه‌السلام معجزۀ بزرگ است.[۱]

---

۱. علیرضا پناهیان، همایش ملی تبیین ظرفیت‌های تمدنی اربعین، دسترسی در: «http://panahian.ir/post/۳۴۴۵»

- مبحث سوم:«مهم ترین حرکت به سوی ظهور»

## » مهمترین حرکت هیئت‌ها در راستای ظهور، کار برای «اربعین» است

حضرت امام(ره) تأکید می‌کردند که انقلاب ما محدود به ایران نیست و می‌فرمودند که مسئولین کشور اگر در کنار خدمت به مردم، به فکر مقدمه‌سازی برای ظهور نباشند خیانت کرده‌اند.[1]

ما هیئتی‌ها هم اگر فقط در محدوده خودمان فعالیت کنیم و به فکر مهمترین حرکت در راستای ظهور یعنی «اربعین» نباشیم، خیانت است. شما در مرحله اول، مردم را از لاک فردیت در آورده‌اید و آنها را به هیئت جذب کرده‌اید، حرکت دیگر این است که آنها را به سمت نماز جماعت می‌برید و سپس سراغ نماز جمعه می‌روید که دور نهایی و اجتماع بزرگ نماز جماعت‌های هر شهر است، اما چون به صورت «سازماندهی‌شده» در نمازجمعه حضور پیدا نمی‌کنیم، این نمازجمعه‌ها چندان رونق ندارد.

۱. صحیفه امام، ج۲۱، ص۴۲۹.

مثلاً در شهری که ۱۰۰ مسجد دارد به جای اینکه با هویت جمعی‌شان برای نماز جمعه بیایند، ۱۰۰ نفر با هویت فردی‌شان می‌آیند.

## » اردو بردن برای زیارت، خصوصاً اربعین، جزء اصلی‌ترین کارهای هیئت است

در اربعین هم، افراد تا حد امکان نباید به صورت انفرادی بروند، بلکه باید در قالب هیئت‌ها و به صورت دسته‌جمعی به اربعین بروند. شما باید در هیئت خودتان مثلاً صدها یا ده‌ها نفر داشته باشید که با هم رفیق باشند و با هم اردو بروند، بزرگترین اردوی آنها هم شرکت در پیاده روی اربعین است.

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله زمانی که در مدینه بودند، مرتباً برای جهاد، اردوکشی می‌کردند، البته الان جهاد نیست اما اردو بردن برای زیارت، خصوصاً زیارت سیدالشهدا علیه‌السلام جزء اصلی‌ترین کارهای هیئت است؛ اردوهای زیارتی، به خصوص زیارت کربلا و به‌ویژه اربعین.

## » آیا اربعین و رعایت حرمت امام‌حسین علیه‌السلام در جهان مصداق «امر جامع» نیست؟

خداوند متعال در آیات آخر سوره نور، می‌فرماید: «وقتی پیامبر، شما را به یک امر جامع دعوت می‌کند شما حق ندارید جای دیگری بروید و به امور دیگر مشغول بشوید. آنهایی که از امر جامع فرار می‌کنند، باید بترسند از اینکه فتنه یا بلایی ناگهانی بر سر آنها بیاید؛ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَى أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّى يَسْتَأْذِنُوهُ... فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»[1]

---

۱. نور، ۶۲و۶۳.

آن سالی که داعش تا نزدیک کربلا رسیده بود، نقل قولی از رهبر انقلاب در روزنامه‌ها منتشر شد مبنی بر اینکه «امسال اربعین باید شلوغ‌تر بشود» از همان روز شکست داعش در عراق و سوریه شروع شد، در آینده ثبت خواهد شد که برگزاری باشکوه اربعین، چگونه این منطقه را نجات داد و این اتحاد را ایجاد کرد، بعد از آن جریان، در سال‌های بعد دوباره خواستند اختلاف بیندازند که شهادت حاج قاسم و ابومهدی المهندس دوباره اتحاد را ایجاد کرد.

## » هنرِ هیئتی‌ها به‌زحمت افتادن برای اربعین است

در هیئت‌ها یک مقدار کمتر از عشق و محبت حرف بزنید. بعضی از ما زیادی جسارت پیدا کرده‌اند و فکر می‌کنند هروقت که خودشان دلشان خواست باید برای زیارت کربلا بروند، این هم نوعی بی‌ادبی است، امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «فقرا سالی یک بار، و بقیه سالی دو بار باید به زیارت امام حسین علیه‌السلام بروند؛ حَقٌّ عَلَى الْغَنِيِّ أَنْ يَأْتِيَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ ع فِي السَّنَةِ مَرَّتَيْنِ وَ حَقٌّ عَلَى الْفَقِيرِ أَنْ يَأْتِيَهُ فِي السَّنَةِ مَرَّةً»[1]

درباره اربعین نباید کم گذاشت. درست است که شب قدر و عاشورا برای شما هیئتی‌ها زحمت دارد، اما اینها هنر شما نیست، وقتی که ما دستور گرفتیم، هنر این است که برای اربعین به سختی و زحمت بیفتیم. البته بعضی از هیئتی‌ها واقعاً پای کار اربعین هستند، بعضی‌ها از خود ایران پیاده‌روی را شروع می‌کنند.

---

۱. کامل الزیارات، ص۲۹۳.

## » هیئتی که اربعین نرود یا برای اربعین، کاری نکند هیئت نیست

ما هنوز در خط مقدم و در جنگ هستیم؛ اگر برای اربعین کم بگذاریم و رونق اربعین کم بشود، خطرناک است، مگر روضه، بدون اربعین می‌شود؟ هیئتی که اربعین نرود کربلا و برای اربعین، شهر را به‌هم نریزد هیئت نیست، احدی اربعین را در این مسیر راه نینداخت بلکه خداوند دلها را متوجهِ اربعین کرد؛ به این امر باید احترام بگذاریم.

همه‌چیز را در هیئت با عینک اربعین نگاه کنید. حتی ما باید به دولت بگوییم که ما خودمان اربعین را برگزار می‌کنیم، بیمه، تردد و... را خودمان انجام می‌دهیم، بگذارید همهٔ کارهای اربعین، مردمی باشد.

هر پذیرایی مختصری که در اربعین انجام می‌دهید و هر خوشامدگویی به زائران و «اهلاً بکُم» که شما در اربعین می‌گویید یک بمب اتم و یک نیروگاه هسته‌ای است. اباعبدالله الحسین علیه‌السلام در روز عاشورا به امام سجاد علیه‌السلام فرمود: «وَ اللَّهِ لَا یَسْکُنُ دَمِی حَتَّی یَبْعَثَ اللَّهُ الْمَهْدِی»[۱] تا روزی که امام زمان مبعوث می‌شود، باید رونق امام حسین علیه‌السلام بیشتر و بیشتر بشود.

## » نقش هیئت‌ها در رونق اربعین چیست؟

ما باید امام حسین علیه‌السلام را به جهان معرفی کنیم و راهی بجز اربعین نداریم، نقش هیئت‌ها در رونق اربعین چیست؟ مثلاً شما هیئت‌ها می‌توانید برخی از جوانان، زوج‌های جوان، خانواده‌های با فرزند بیشتر و... را در ماه محرم ثبت نام کنید و رایگان برای اربعین ببرید.

---

۱. مناقب، ابن شهرآشوب، ج۴، ص۸۵.

دوستان من! اگر به‌خاطر گرمای تابستان یا کمبود امکانات، برای اربعین کم بگذاریم خیانت کرده‌ایم، معلوم است که اهمیت اربعین با هیئت‌های ما قابل مقایسه نیست، ما در سوره حجرات، ادب یاد گرفتیم، می‌فرماید: «کسی که نسبت به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله ادب را رعایت نکند، نتیجه‌اش حبط عمل است ؛ وَ لَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ»[1] ما باید نسبت به اباعبدالله‌الحسین علیه‌السلام ادب داشته باشیم، یکی از وجوه رعایت ادب هم این است که دل‌بخواهی به زیارت کربلا نرویم، یعنی این‌طور نباشد که هر وقت دلمان خواست برویم و هروقت حال نداشتیم، نرویم.[2]

## » الان با «اربعین» داریم امتحان می‌شویم

در زیارت جامعه فرازی هست که دربارهٔ اهل‌بیت علیهم‌السلام می‌فرماید «و البابُ المُبتَلیَ بِهِ النّاس»[3] درِ خانهٔ اهل‌بیت علیهم‌السلام ، جایی نیست که فقط حاجت بدهد و انسان برود توسل پیدا کند و تبرک بجوید، بلکه اینجا، دری است که انسان با آن امتحان می‌شود، یعنی ما در موقعیت‌های مختلف، با اهل‌بیت علیهم‌السلام امتحان می‌شویم.

مردم کوفه با أباعبدالله‌الحسین علیه‌السلام امتحان شدند، با امام حسن مجتبی علیه‌السلام امتحان شدند، با أمیرالمؤمنین علی علیه‌السلام امتحان شدند و ما الان با اربعین داریم امتحان می‌شویم. هرکسی هر چقدر بتواند برای اربعین أباعبدالله‌الحسین علیه‌السلام مایه بگذارد از این امتحان روسفید بیرون خواهد آمد.

---

۱. حجرات،۲.

۲. علیرضا پناهیان، همایش مدیران هیئت رزمندگان اسلام سراسر کشور در قم، دسترسی در: «http://panahian.ir/post/۷۷۳۰ »

۳. زیارت جامعه

## » ما نسبت به اربعین فقط «شوق» نداریم، بلکه «خوف» هم داریم

ما نسبت به اربعین فقط «شوق» نداریم، بلکه «خوف» هم داریم؛ خوفِ اینکه مبادا کم بگذاریم، خوف اینکه مبادا قدر این نعمت باعظمت را ندانیم و نتوانیم شکرش را بجا بیاوریم. خوف و شوق همیشه باید باهم باشد.

ما دربارۀ اربعین فقط به عشق حضرت، به زیارت نمی‌رویم بلکه خوف از این داریم که مبادا به‌خاطر کم‌توجهیِ ما، به محضر حضرت، بی‌ادبی بشود. ما برای رفتن، احساس تکلیف می‌کنیم. ائمۀ هدی علیهم‌السلام فرموده‌اند: «هرکسی لااقل سالی یک‌بار باید به زیارت أباعبدالله‌الحسین علیه‌السلام برود و اگر توانِ مالی دارد، سالی دو بار برود ؛ حَقٌّ عَلَى الْغَنِيِّ أَنْ يَأْتِيَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ ع فِي السَّنَةِ مَرَّتَيْنِ وَ حَقٌّ عَلَى الْفَقِيرِ أَنْ يَأْتِيَهُ فِي السَّنَةِ مَرَّةً»[۱] امام‌صادق علیه‌السلام هشدار می‌دهند که مبادا سه سال بر کسی بگذرد و به زیارت أباعبدالله‌الحسین علیه‌السلام نرفته باشد. (أَمَّا الْقَرِيبُ فَلَا أَقَلَّ مِنْ شَهْرٍ وَ أَمَّا بَعِيدُ الدَّارِ فَفِي كُلِّ ثَلَاثِ سِنِينَ فَمَا جَازَ الثَّلَاثَ سِنِينَ فَقَدْ عَقَّ رَسُولَ اللَّهِ ص وَ قَطَعَ رَحِمَهُ إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ)[۲]

## » اربعین واجب نیست اما محل امتحان ماست؛ مثل امتحان اصحاب در شب عاشورا

ان‌شاءالله همه این سفر را به‌عنوان یک سفر ضروری تلقی کنند و امکاناتش را هم خیرین فراهم کنند، هم دولت. دولت هرچقدر به زیارت

---

۱. کامل الزیارات، ص۲۹۳.

۲. همان، ص۲۹۷.

اربعین و زائران اربعین خدمت کند، به نفع مملکت و به نفع محرومین است و این خدمت هم برکتی برای دیگر اقداماتش خواهد بود.

وای بر دولتمردی که نسبت به اربعین بی‌تفاوت باشد، ما امروز داریم با اربعین امتحان می‌شویم «البابُ المُبتَلی به النّاس» این امتحان را جدی بگیریم. امتحان لزوماً آن کاری نیست که بر ما واجب کنند و ببینند ما چه می‌کنیم؟ آن قسمت حساس و پُرامتیازِ یک امتحان و احیاناً آن قسمت پرخطرش -اگر بی‌اعتنایی کنیم- آن قسمتی است که به ما تکلیف نکرده‌اند؛ مثل شب عاشورا که امام حسین علیه‌السلام به یاران خودش، تکلیف نکرد که «فردا بمانید!» ولی آنهایی که ماندند، چقدر بُردند!

## » دو پیشنهاد برای ارتقاء محتوا و کیفیت اربعین

از این مقدمه که بگذریم دو نکته دربارۀ ارتقاء محتوا و ارتقاء کیفیت، معنویت و معرفتِ اربعین خدمت شما عرض کنم. اولاً حتی‌المقدور (همان طور که عرض کردم) هرکسی می‌خواهد به زیارت اربعین برود، بهتر است به‌صورت «کاروانی» برود. بنده بارها دیده‌ام که چقدر برکت دارد وقتی، کاروانی به سفر می‌روند؛ از همدیگر حمایت می‌کنند، روابط نزدیک‌تر، صمیمانه‌تر و ایثار، بین آنها باب می‌شود. مخصوصاً هیئت‌ها وقتی یک کاروانی را می‌برند، تازه هیئت شکل می‌گیرد، از حالت مراسم در می‌آید و تبدیل می‌شود به یک تشکیلات معنوی.

اینکه یک هیئتی، برای اربعین، کاروان راه نیندازد، خیلی عجیب است! وقتی امام حسین علیه‌السلام خودشان در اربعین، روضه گرفته‌اند، آیا این هیئت، نمی‌خواهد پرچم خودش را در روضۀ أباعبدالله‌الحسین علیه‌السلام به اهتزاز در بیاورد؟! اصلاً هیئت‌ها نیاز دارند برای قوامِ هیئت و برای اثربخشی و دوام‌شان، افراد هیئتِ خودشان را دور هم جمع کنند و باهمدیگر به سفر

بروند، تا باهمدیگر پیوندهای محکم‌تری پیدا بکنند، و چه سفری بهتر از این سفر اربعین! همین سفر اربعین، یک بابی می‌شود برای تعاون آنها در ابعاد مختلف زندگی و این موجب قوام پرچم هیئت خواهد شد.

## » اربعین یک مسئلهٔ فرادینی و فراملی شده است

یک کشیش مسیحی صرب، اخیراً دارد یک کتابی می‌نویسد ایشان می‌گفت که من حتماً در این کتاب حماسهٔ اربعین، مشاهدات خودم را خواهم نوشت. اصلاً مسئلهٔ اربعین، فرادینی و فراملی شده است.

از آن مستندساز اروپایی پرسیدم: آیا در اروپا اجازه می‌دهند که شما تبلیغ کنید و اربعین را معرفی کنید؟ گفت: «ابداً به ما اجازه نخواهند داد!» این فرد، مسلمان نبود و هیچ عِرق انقلابی خاصی هم نداشت، بلکه به‌عنوان یک مشاهده‌گر و یک جستجوگر به اربعین آمده بود. گفتم: چرا آنها اجازه نمی‌دهند که اربعین در جهان غرب پخش بشود؟ بالاخره یک پدیده‌ای است، مثلاً شما ببینید از این ۲۰ میلیون نفر، چطوری پذیرایی می‌شود؟ خود مردم دارند به‌صورت رایگان از همدیگر پذیرایی می‌کنند! صدها میلیون پرس غذای رایگان، توسط خود مردم در اینجا توزیع می‌شود...

آن مستندساز اروپایی گفت: بله، من همهٔ اینها را دیده‌ام. گفتم: پس چرا نمی‌گذارند اینها-لااقل به‌عنوان یک خبر جالب- پخش بشود؟ درحالی‌که یک‌جایی مثلاً کارناوالی راه می‌افتد و مردم به‌همدیگر گوجه فرنگی می‌زنند، این را همهٔ دنیا می‌بینند، یا مثلاً یک‌جایی گاوبازی می‌کنند، همهٔ دنیا می‌بینند، اما این مراسم عظیم انسانی را چرا نمی‌گذارند دقیق پخش بشود و جزئیاتش را همه ببینند؟ او یک‌مقدار فکر کرد و گفت: «آخر اگر اینها پخش بشود، تمدن غرب سقوط می‌کند!» گفتم: چرا؟

گفت: برای اینکه آنجا همه‌چیز بر مبنای منفعت مالی تعریف شده است ولی اینجا همه‌چیز بر اساس ازخودگذشتی است! و شما توانستید این را در اینجا ایجاد کنید.

## » عهده های زیبا در سفر اربعین

ارتقاء کیفیت زیارت اربعین به این است که در این زیارت و به‌ویژه در داخل کاروان‌ها، رابطهٔ مردم باهمدیگر، رابطهٔ عالی‌ای بشود. یکی از مؤثرین یا مؤثرترین عامل معنوی در این سفر، همین خدمت‌های ایثارگرانه و بامحبتی است که دوستان عراقی برای زائرین انجام می‌دهند، ما همین را باید توسعه بدهیم.

هرکسی در این سفر حاضر شد، با خودش عهد کند که مهربان‌تر بشود و نسبت به دیگران خدمتگزار بشود، نسبت به دیگران فروتنی کند، خاک پای رفقای خودش باشد. هرکسی در این سفر حاضر شد، با خودش عهد کند که نسبت به هیچ‌کسی ناراحت، غضبناک و عصبانی نشود. هرکسی در این سفر حاضر شد جز لبخند به روی برادر دینی خودش نزند، هرکسی در این سفر حاضر شد با خودش عهد ببندد در طول راه به دیگران کمک کند، مثلاً اگر توانست، ساک کسی را جابجا کند یا غذا خودش را به دیگری بدهد یا....

## » خدمت به زائر امام‌حسین علیه‌السلام کمتر از خودِ زیارت نیست

ما باید این سفر را فقط سفر زیارت أباعبدالله‌الحسین علیه‌السلام قرار ندهیم، بلکه در کنار زیارت امام‌حسین علیه‌السلام و حتی همسنگِ اهتمامی که برای زیارت داریم، این سفر را سفرِ خدمت به زائرین و محبت به زائرین قرار

بدهیم. وقتی شما به زائر امام‌حسین علیه‌السلام خدمت می‌کنی و محبت می‌کنی، صداقت خودت را به أباعبدالله‌الحسین علیه‌السلام نشان داده‌ای و الا سفر شما می‌رود به سمتِ یک سفر تفریحی که انگار از معنویت و معرفت لازم، برخوردار نیست.

خدمت‌کردن به سینه‌زن و زائر امام‌حسین علیه‌السلام کمتر از خودِ زیارت نیست. حضرت امام در دوران جوانی‌شان با رفقای خود به مشهد مقدس می‌آمدند، یکی از مراجع عظام تقلید می‌فرماید: امام(ره) زودتر از دیگران، از حرم برمی‌گشت، درحالی‌که ما می‌دانستیم ایشان چقدر علاقه‌مند به زیارت است، ایشان زود برمی‌گشتند و چای و صبحانه برای رفقای خود آماده می‌کردند. از ایشان می‌پرسیدیم: شما برای زیارت کم می‌ایستید! می‌فرمودند: «خدمت به زائر امام‌رضا علیه‌السلام کمتر از خود زیارت نیست» این هوشمندیِ یک انسان باصفا را می‌رساند.

## » سفر اربعین فقط سفر زیارت نیست؛ سفر محبت و خدمت به زائرین حسین علیه‌السلام هم هست

ما باید رسماً اعلام کنیم که این سفر، فقط سفر زیارت أباعبدالله‌الحسین علیه‌السلام نیست، بلکه در کنار زیارت و هم‌سطح زیارت، سفر محبت به زائرین أباعبدالله‌الحسین علیه‌السلام است، سفر خدمت به زائرین أباعبدالله‌الحسین علیه‌السلام است، دنبال فرصت باشیم که در این سفر به کسی تواضع کنیم، به کسی مهربانی کنیم، دستِ درمانده‌ای را بگیریم، به کسی کمک کنیم. مثلاً اگر غذای خوشمزه‌ای بود و یک کسی آمد که احیاناً دیدیم هنوز غذا نخورده است، برایش نگه داریم و به او تعارف کنیم. اگر خودمان در کنار او گرسنگی هم کشیدیم، تحمل کنیم و به روی خودمان نیاوریم، خدا دانه‌دانهٔ این کارهای کوچک ما را می‌بیند، ملائکهٔ

حرم، دانه‌دانهٔ اینها را ثبت می‌کنند.

بیایید در این امر تسریع کنیم که این حماسهٔ اربعین، مقدمهٔ آن تمدن بزرگ و مقدمهٔ آن تمدن نوین اسلامی بشود. چرا یک سفر زیارتی، می‌تواند مقدمهٔ تمدن عظیم اسلامی بشود؟ به‌خاطر ایثاری است که موکب‌دارها لب جاده در اهداء هستی خودشان و اموال خودشان برای زائرین انجام می‌دهند. این جلوه‌اش خیلی مهم است و الا زیارت که خیلی وقت‌ها صورت می‌گیرد! در ایام عرفه هم آنجا خیلی شلوغ می‌شود، اما این بساط ارتباط بین مؤمنین، جایی جز اربعین نیست. این شور امام حسین علیه‌السلام آمده است در خدمت رابطهٔ مؤمنین با یکدیگر قرار گرفته است. پس بالا رفتن معرفت، معنویت و کیفیت این سفر در تقویت همین عامل کلیدی است.

## » موکب‌داری، فرصت و زمینهٔ بسیار خوبی برای خدمت و تقرب، فراهم می‌کند

خودِ موکب‌داری هم، فرصت و زمینهٔ بسیار خوبی است برای خدمت به همدیگر. مثلاً ۲۰ نفر یا ۵۰ نفر، از یک جایی جمع می‌شوند و می‌روند در مسیر پیاده‌روی اربعین، یک موکب می‌زنند، ارتباط خود این افراد با همدیگر غوغا می‌کند. چقدر زمینهٔ تقرب را فراهم می‌کند، ضمن اینکه دوباره همین موکب‌دارها به سایر زائران هم خیلی می‌توانند خدمت کنند.

موکب‌داران و هیئتی‌ها و کاروان‌داران و عموم زائرین، با هم مسابقه بگذارند در نوشتن و تدوین آئین‌نامه‌هایی که آئین مهرورزی در سفر اربعین است! این‌کار خیلی زیبا خواهد بود.

شما فکر کنید به اینکه در همین مسیر، خانوادهٔ أباعبدالله‌الحسین علیه‌السلام را برده‌اند؛ در نهایت بی‌رحمی و خشونت و در نهایت رفتار غیرانسانی

با بچه‌های أباعبدالله‌الحسین علیه‌السلام برخورد کرده‌اند، مثلاً وقتی غذا می‌پختند، بوی غذا به مشام بچه‌های امام‌حسین علیه‌السلام می‌رسید اما به بچه‌ها غذا نمی‌دادند! شما وقتی بغض آن دشمنان خبیث در دلتان هست، هرچه می‌توانید به کودکانِ زائران أباعبدالله‌الحسین علیه‌السلام خدمت کنید؛ مخصوصاً آنهایی که خانوادگی به این سفر می‌آیند.

## » اگر خانوادگی به این سفر برویم، خوب است؟

می‌پرسند: اگر خانوادگی به این سفر برویم، خوب است؟ بله، خیلی زیبا است که خانوادگی بروید. مخصوصاً وقتی با بچه‌های کوچک خودتان به این سفر می‌روید، تداعی‌کنندۀ خیلی از معانی است! أباعبدالله‌الحسین علیه‌السلام این سفر را خانوادگی آمدند، چرا ما خانوادگی نرویم؟ مخصوصاً با فرزند کوچک خودمان. مثلاً یک کسی دختر سه ساله‌ای داشته باشد و در این سفر حرکت کند، چقدر زیباست. البته همه باید مراقب این بچه‌ها باشند.

وقتی سفر خانوادگی هست، اگر کاروانی بروند، بهتر است. یا خانم‌ها اگر با کاروان باشند یا با خانواده باشند، یقیناً خیلی بهتر است. تنهایی سفر کردن به‌ویژه برای بانوان محترم، ممکن است زیاد صورت خوشی نداشته باشد.

بعضی از جوان‌ها این‌قدر شور دارند که نوزاد تازه به دنیا آمده را هم می‌آورند! طبیعتاً نباید این مشقت‌ها را به خانواده و به خود تحمیل کرد، یک‌وقت اگر برای بچه یا مادر، کسالتی عارض بشود، خیلی سخت است. این مسائل را باید مراقبت کرد؛ اما بقیۀ صورت‌هایی که برای سفر خانوادگی تصور می‌شود، خیلی فوق‌العاده است.

## « هرچه می‌توانیم این سفر را امام‌زمانی‌تر کنیم

راه دومی که برای ارتقاء معنویت این سفر پیشنهاد می‌کنم، هرچه امام زمانی‌تر شدنِ این سفر پُرحماسه و مبارک است! در این سفر یاد حجة‌بن‌الحسن العسکری علیه‌السلام را بیشتر داشته باشیم، در این سفر خصوصاً وقتی شب‌ها به پیاده‌روی می‌روید در این تاریکی‌ها مناجات با حجة‌بن‌الحسن العسکری علیه‌السلام خیلی نکتهٔ زیبایی است؛ با توجه به اینکه در این سال‌های اخیر، یک‌مقدار پیاده‌روی شبانه هم طرفدار دارد، چون روزها آفتابی می‌شود و یک‌مقدار هوا گرم است.

خواندنِ دعای فرج و خواندن دعای استغاثهٔ به حضرت ولی‌عصر علیه‌السلام بعد از هر نماز، خیلی زیبا است. بگذارید بگویند: چرا اینها وقتی نماز می‌خوانند، بلافاصله بلند می‌شوند و دعای «الهی عظم البلاء...» را می‌خوانند و برای فرج مولای‌شان دعا می‌کنند! چرا در این سفر همه به یاد او هستند؟

ما در زیارت اربعین می‌گوییم «و نُصرَتی لَکُم مُعَدَّة» ما آمده‌ایم شما را کمک کنیم. این یعنی «یابن‌الحسن، ما برای کمک به شما آمده‌ایم.» بگذارید مردم بپرسند: این سفر اربعین، سفر عزاداری برای امام‌حسین علیه‌السلام است یا سفر سوگواری برای طولانی‌شدن غیبت حجة‌بن‌الحسن العسگری علیه‌السلام است؟ در نوحه‌ها چقدر خوب است در این بندهایی که مردم جواب می‌دهند، گوشه‌هایی خطاب به حجة‌بن‌الحسن‌العسکری علیه‌السلام هم باشد که تمنای ظهور بشود.

## » چرا خوب است مسیر پیاده‌روی اربعین را از «مسجد سهله» آغاز کنید؟

چقدر خوب است که پیاده روی را از مسجد سهله آغاز کنیم به چند دلیل: اولاً مسجد سهله سرِ راه اصلی و قدیمی زائـران اربعین هست، راهـی که به «طریق علماء» مشهور است. ایـن همان راهـی است که اهل‌بیت علیهم‌السلام را به کوفه آوردند! مسجد سهله، در واقع به نوعی سرِ راه کاروان أباعبدالله‌الحسین علیه‌السلام هم هست. برخی از علماء می‌فرمودند: از قدیم مرسوم بود که هرکسی می‌خواست پای پیاده از نجف به کربلا برود، می‌آمد به مسجد سهله دو رکعت نماز می‌خوانده-با آن همه فضیلتی که دربارۀ نمازخواندن در مسجد سهله هست- و بعد حرکت می‌کرد به سمت کربلا.

ثانیاً مسجد سهله-با یک فاصلۀ مختصر- تقریباً سر راه زائرین أباعبدالله‌الحسین علیه‌السلام قرار دارد، وقتی کسی بخواهد از حرم مطهر امیرالمؤمنین علیه‌السلام از طرفِ «صورة العشرین» به سمت کوفه بیاید، به مسجد سهله می‌رسد و بعد هم از مسجد سهله، یک جادۀ بسیار خوبی هست که به جادۀ اصلی نجف-کربلا ملحق می‌شود. لذا اگر کسی بخواهد از مسجد سهله حرکت کند، راهش چندان دورتر نمی‌شود؛ مخصوصاً اگر بخواهد از مسیرِ کنار رودخانه یا کنار شط برود که در این‌صورت، اصلاً مسجد سهله سرِ راه او خواهد بود.

## » حیف است به نجف برویم اما در خانۀ امام زمان علیه‌السلام حاضر نشویم

ضمن اینکه حیف است انسان به نجف اشرف بیاید، اما در خانۀ امام

زمان، حضرت ولیّ‌عصر عجّل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف و مسجد منسوب به این وجود مقدس و نازنین، حاضر نشود. قبل از اینکه سفر خود را شروع کنید، خوب است لااقل دو رکعت از نمازهای واجب خودتان را در این مسجد شریف بخوانید و چقدر توصیه شده است که «حداقل یک نماز واجب خودتان را در مسجد سهله بخوانید»؛ این در رزق و روزی و عمر شما چقدر برکت ایجاد می‌کند، مرگ ناگهانی را از بین می‌برد و... دربارهٔ ثواب زیارت مسجد سهله و نماز خواندن در این مسجد شریف، روایات عجیبی داریم.

بعد از اینکه دو رکعت نماز صبح را خواندید، یک نالهٔ یابن‌الحسن، یک دعای عهد و یک تجدید عهد با امام‌زمان علیه‌السلام بکنید و بعد حرکت خود را آغاز کنید. یک نیت امام زمانی و یک تمنایی برای ظهور داشته باشید و بعد سفر خود را آغاز کنید. همین‌کار اصلاً سفر کربلا را معنوی‌تر خواهد کرد، یعنی با توجه به حضرت حجة‌بن‌الحسن العسکری علیه‌السلام این سفر را ادامه بدهیم.

## » در طول سفر، دائماً متوجهِ امام زمان‌تان باشید

خیلی در این سفر، متوجهِ امام زمان‌تان باشید، بگویید «یابن‌الحسن، چشمم تاریک شد از بس دنبال تو گشتم و تو را ندیدم!» آنان که به محضر مولا رسیدند، دم فرو بستند و به کسی نگفتند ولی اگر بنا باشد کسی در گوشه‌ای به محضر مولای خودش برسد، یکی از بهترین مواقفش همین سفر نورانی است. مگر می‌شود پدر گرامی ایشان یعنی امام حسن‌عسکری علیه‌السلام ما را برای اربعین دعوت کرده باشند، اما فرزند گرامی ایشان حضور پیدا نکنند؟ مگر می‌شود اجداد طاهرین‌شان، دعوت به پیاده‌روی کرده باشند اما خود ایشان پیاده‌روی نکنند؟ مگر می‌شود این‌همه، مردم به عشق حضرت در این راه پیاده بروند، ولی آقا

و مولایشان حجة‌بن‌الحسن العسکری علیه‌السلام در میان این مردم حضور پیدا نکنند.

یا صاحب‌الزمان علیه‌السلام ما که در کربلا نبودیم حسین علیه‌السلام را یاری کنیم ولی الان برای تو آمده‌ایم، ما برای اعلام آمادگی برای انتقام خون حسین علیه‌السلام تو آمده‌ایم! «أینَ الطّالبُ بدَمِ المقتول بکربلا»[1]

یکی از شعارهای بسیار زیبا برای این سفر، همین جملهٔ زیارت جامعه است: «مُنْتَظِرٌ لِأَمْرِكُمْ»[2] ما منتظر امر شما هستیم. در زیارت اربعین هم می‌خوانیم: «وَ نُصرَتی لَکُم مُعدَّة» وقتی که می‌گویید «وَ نُصرَتی لَکُم مُعدَّة» درواقع دارید به امام زمان علیه‌السلام این را می‌گویید. لبیک یا حسین علیه‌السلام درواقع همان لبیک یا صاحب‌الزمان علیه‌السلام است؛ أباعبدالله‌الحسین علیه‌السلام شما را حواله خواهد کرد به مهدیِ خودشان که «مهدی جان، اینها به‌عنوان یاری تو آمده‌اند...»

## » اربعین در دل دوستان «محبت و قدرت» و در دلِ دشمنان «رُعب» ایجاد می‌کند

بگذارید این رُعب حماسهٔ باعظمت اربعین در دل‌های دشمنان بنشیند. فرمود: «وَ نَصَرَهُ بالرُّعب»[3] خدا امام زمان علیه‌السلام را با رعبی که از یارانش و رعبی که از وجود مقدسش به دل دشمنان می‌اندازد، پیروز خواهد کرد، لذا درگیری‌ها کاهش پیدا خواهد کرد و کار حضرت بهتر پیش خواهد رفت این سفر، سفری است که در دل دوستان، محبت و دل‌گرمی و احساس هویت و قدرت ایجاد می‌کند و در دل دشمنان رعب ایجاد

---

۱. دعای ندبه.
۲. زیارت جامعه.
۳. کافی، ج۲، ص۱۷.

می‌کند. این رعب را در دل دشمنان بیفکنید.

ما (زائران اربعین) همه سربازان حجة‌بن‌الحسن العسکری علیه‌السلام هستیم که در این راه قدم برمی‌داریم، همهٔ خدمتگزارانِ در این راه، خدمتگزاران لشکر حجة‌بن‌الحسن العسکری علیه‌السلام هستیم، همهٔ کسانی که غذا درست می‌کنند، درواقع دارند برای سربازان حضرت غذا درست می‌کنند، زن و مرد، کوچک و بزرگ، هرکسی در این راه آمده، به یاریِ مهدی فاطمه آمده است و الان دارد مستقیم یاری می‌کند، بحثِ آینده هم نیست؛ الان مستقیم دارد حضرت را یاری می‌کند!

چه کسی تصور می‌کرد ما بتوانیم مستقیماً سربازی کنیم و در پادگان مهدی فاطمه، قرار بگیریم. الان این بساط را فراهم کرده‌اند؛ پیرِ ناتوان، جوان بُرنا و کودک خردسال، همه در این پادگان هستند. وقتی خدا می‌خواهد ابواب رحمت و برکت را باز کند همین‌جوری رفتار می‌کند!

## » در این مسیر، هرکسی با روضه آشنا هست، آشناتر می‌شود...

در این مسیر قرار بگیرید تا هرکسی با روضه آشنا هست، آشناتر بشود، هرکسی که روحش عجین با روضه هست روضه در جانش عمیق‌تر بشود. خواهش می کنم در این راه قدم بردارید، ببینید اگر پذیرایی در این راه نبود، آب به شما نمی‌دادند، غذا نمی‌دادند و یک جایی برای استراحت شما نمی‌گذاشتند چقدر سخت می‌شد!

من دوست دارم در این راه برای خانواده‌ها روضه بخوانم و بگویم: خانواده‌های محترم بچه‌های خودتان را چطوری آرام می‌کنید؟ اگر بچه‌ای خسته بشود و یک‌دفعه‌ای بگوید «برویم خانه، دیگر خسته شدم!» چه‌کار می‌کنید؟ مواظب باشید بچه‌ها زیاد خسته نشوند. اگر

بچه‌تان یک‌وقت گفت «برویم خانه، دیگر خسته شدم» زود به او وعده بدهید و بگویید «إن‌شاءالله به زودی می‌رویم» اگر دیدید خیلی خسته شد، حتماً ماشین سوار شوید و نگذارید بچه اذیت بشود.

امان از آن لحظه‌هایی که بچه‌های حسین علیه‌السلام به زینب می‌گفتند «عمه‌جان زینب، به مدینه برگردیم...» ایشان چه جوابی می‌خواستند بدهند؟ این حرف بی‌مبنا نیست، سکینهٔ دردانه آمد پیش بابا و صدا زد «رُدَّنَا إِلَی حَرَمِ جَدِّنَا»[1] اول ما را برگردان مدینه، بعد برو...

۱. بحار الانوار، ج۴۵، ص۴۷.

## • مبحث چهارم:«تمرین ظهور در زیارت اربعین»

## » اربعین یک زیارت ساده نیست

اربعین یک زیارت ساده نیست، اربعین یک روضهٔ صِرف برای سوگواری اباعبدالله‌الحسین علیه‌السلام نیست. اگرچه یک روضهٔ ساده و یک زیارت سادهٔ اباعبدالله‌الحسین علیه‌السلام هم از عمق راهبردی باعظمتی برخوردار هست و حضرت امام فرمودند: «آن زمانی که امامان ما برای یک قطره اشک برای امام حسین این قدر ثواب اعلام فرمودند، نقشه داشتند برای قدرت اسلام.»[1]

این مضمون با تعابیر مختلف در کلمات حضرت امام موجود است که اگر اهل‌بیت علیهم‌السلام این‌قدر ثواب را برای زیارت اباعبدالله الحسین علیه‌السلام و برای هرگونه ابراز ارادتی به اباعبدالله الحسین علیه‌السلام اعلام فرمودند، یک طرح و نقشه بوده است. یقیناً جزو همین نقشه است که امام حسن عسکری علیه‌السلام آن روایت مشهور را برای زیارت اربعین فرمودند: «عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ صَلَاةُ الْخَمْسِينَ وَ زِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ وَ...»[2]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۳۴۶.
۲. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۵۲

## » تحول دل ها در اربعین

بعضی از افراد نادان، می‌گویند چه شده که یک دفعه‌ای اربعین این‌قدر شلوغ شده است؟ اگر آدم یک لحظه تفکر کند، می بیند که این امر طبیعی است؛ چرا که مؤمنین و ارادتمندان به اباعبدالله الحسین علیه‌السلام ده پانزده سال است که قدرت دفاع از جمعیت میلیونی خودشان را پیدا کردند. طبیعتاً وقتی این قدرتِ دفاع پیدا شد، امام زمان علیه‌السلام هم دل‌ها را متحول می‌کند؛ هم دلِ موکب‌دارها را، هم دلِ زائران پای پیاده را که به میعادگاه شیعیان جهان حضور پیدا می‌کنند. قبل از اینکه این قدرت پدید بیاید، معلوم است که امام زمان ارواحناله‌الفدا دل‌ها را متحول و متوجه اربعین نمی‌کنند؛ به این دلیل که اگر قبل از این ده پانزده سال اخیر، مردم با جمعیت میلیونی برای اربعین می‌آمدند، میلیونی هم در این راه، به شهادت می‌رسیدند، چون قدرت دفاع از خود را نداشتند.

یادمان نمی‌رود که هشت سال پیش، دواعش و تکفیری‌ها تا چند کیلومتری کربلا آمده بودند و هجوم زائران به نیروهای مقاومت قدرت بخشید. وقتی که مردم با نشان دادن کارت ملی، از همین مرز مهران عبور می‌کردند، چقدر موجب شد تکفیری‌ها تضعیف بشوند و همین آغاز انهدام داعش بشود که یک فتنهٔ بزرگ بود.

پس چرا اربعین اخیراً (در همین ده سال اخیر) شکل گرفته است؟ به دلیل اینکه ما اخیراً قدرت امنیت‌بخشی به زائران میلیونی این میعادگاه بزرگ را پیدا کردیم. قبلاً که بعثی‌ها زائران را می‌گرفتند و اعدام می‌کردند، کمتر کسی برای زیارت اربعین می‌رفت. تا کمی قبل هم که دواعش می‌خواستند امنیت زائران را به مخاطره بیندازند، همین اربعین آنها را کنار زد. پس معلوم است چرا دل‌های شما در این ده سال اخیر، برای

زیارت اربعین هوایی شده است! چون این دهه دههٔ اقتدار ارادتمندان به اباعبدالله الحسین علیه‌السلام هست.

## » اولین اثر اربعین، اتحاد بین دو ملت ایران و عراق است

اما اثر اربعین چیست؟ اثر ابتدایی‌اش، اتحاد بین دو ملت ایران و عراق است. زیارت اربعین بین مردم ایران و عراق، پیوند زد. حضرت امام(ره) در اواسط دفاع مقدس بود که می‌فرمودند: بعد از جنگ، دو ملت ایران و عراق بر محور عتبات عالیات با هم متحد خواهند شد و قدرتی ایجاد خواهند کرد که دیگر به هیچ کشور و ملتی ما نیاز نداریم. (صحیفه امام/ ج۱۶/ص۳۵۳) این پیش‌بینی حضرت امام، با زیارت‌های اتوبوسی و نوبه‌ای پدید نیامد؛ این پیوند در اربعین رخ داد که زائران ایرانی دستبوس موکبداران عراقی شده و عاشقانه از پذیرایی‌های آنها استفاده کرده و شرمندهٔ احسان آنها هستند. و از آن‌طرف، موکبداران عراقی هم با عشق به ایرانی‌ها خدمت می‌کنند.

این اتحاد و همدلی بین دو ملت، همان چیزی است که امام در دوران دفاع مقدس می‌فرمود که این اتحاد، بزرگ‌ترین قدرت را ایجاد می‌کند و شما می‌بینید که الان این قدرت دارد تولید می‌شود. اربعین موجب عزت و سرافرازی مردم عراق شد. موجب حفظ استقلال کشور عراق شد که ما از هرچیزی بیشتر همین را دوست داریم که ملت عراق سرافراز، استقلال کشورشان را حفظ کنند و همان‌قدر که ما دنبال پیشرفت ایران اسلامی هستیم، از صمیم دل همان‌قدر دنبال پیشرفت مردم عراق هستیم.

ما دوست داریم همسایه‌ای مقتدر، کشوری با پیشرفت‌های اساسی و مقدمه‌ساز ظهور حضرت ولی‌عصر ارواحناالفدا باشد. برای ما عراق سرزمین مقدس و آینده‌داری است، سرزمین آیندهٔ حکومت جهانی اسلام





است. معلوم است که ما نسبت به این سرزمین و مردمان این سرزمین تواضع داریم و به این مردم افتخار می‌کنیم و اربعین هم موقع این اتحاد و این افتخار است.

همین‌جا به مردم عراق عرض می‌کنم که ما به اربعین شما و به فرهنگ شما افتخار می‌کنیم و شما را ستایش می‌کنیم. ما این موکبداری را از شما یاد گرفتیم و در مشهد مقدس در ایام صفر و در دیگر ایام، این حرکت‌ها را انجام می‌دهیم. ما از شما تقدیر می‌کنیم برای این حرکت باعظمت. شما دارید شایستگی خودتان را برای مقدمه‌سازی پایتخت جهانی حکومت امام زمان ارواحناله‌الفدا نشان می‌دهید.

## » عظمت اربعین بیش از این چیزی است که در رسانه‌ها می‌بینید

تازه اینها، ابتدای ماجرای اربعین است؛ اینها سطح رویین و اولین آثاری است که دارد دیده می‌شود. اجازه بدهید یک کمی به لایه‌های عمیق‌تر این ماجرا بپردازیم. شما منتظر نباشید که رسانه‌های بیگانه و دشمنان شما، بیایند در تریبون‌ها و برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی خودشان، برنامه‌های عادی را قطع کنند و دربارۀ اربعین بگویند «وای چه عظمتی رخ داده! چه تحولی در جهان رخ داده! این بی‌نظیر است! نمونه‌اش قبلاً در جهان نبوده! این دارد مسیر تاریخ را تغییر می‌دهد!» معلوم است که شما این را از دشمنان‌تان نخواهید شنید و آنها این واقعیت را نمی‌گویند ولی خودشان می‌دانند که این‌گونه است.

عظمت اربعین بیش از این چیزی است که در رسانه‌ها هست؛ حتی در رسانه‌های خودمان. در رسانه‌های خودمان هم اکثراً می‌آیند به زائرین می‌گویند «چه حس و حالی دارید؟ چه حال خوشی دارید؟ چه

بهرهٔ معنوی‌ای بردید؟» بسیاری از انعکاس‌های اربعین در رسانه‌های ما انعکاس‌های بسیار ضعیفی است. بعضی از خبرگزاری‌های انقلابی ما، نزدیک موسم اربعین که می‌شود، به‌جای اینکه به متن مثبت اربعین بپردازند، به حاشیه‌های منفی اربعین می‌پردازند. انگار یک جورهایی تلویحاً می‌خواهند این حرکت باعظمت را تضعیف کنند یا ناخواسته، آن را کوچک جلوه بدهند. عظمت اربعین در رسانه‌های ما ظاهر نشده است؛ در بیان و بیانیه‌ها ظاهر نشده است. هنوز ما به عمق فرمایش رهبری عزیز که اربعین را طلیعهٔ تمدن نوین اسلامی می‌دانند، نرسیدیم.

## » اربعین رزمایش منتظران امام‌زمان عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف

اربعین رزمایش منتظران امام‌زمان اروحناله‌الفدا است. اربعین برای ما اثبات کرد که ظهور حضرت، امری شدنی است و با واقعیت‌های موجود جهان اسلام، قابل تطبیق و قابل پیش‌بینی است. اربعین که جریان مقاومت در مقابل تکفیری‌ها را تقویت کرد به ما اثبات کرد چه ثمراتی خواهد داشت! روضه‌های خانگی و دسته‌های عزاداری در کوچه پس‌کوچه‌های شهرها و روستاهای ما، انقلاب اسلامی را نتیجه داد. اربعین چه نتیجه‌ای خواهد داشت جز ظهور آقا امام زمان ارواحناله‌الفدا؟ روضه‌های خانگی شهیدانی مثل سردار سلیمانی‌ها را تربیت کرد، اربعین چه کسانی را تربیت خواهد کرد؟!

ما هنوز در آغاز ماجرا هستیم. اربعین رزمایش عاشقان اباعبدالله الحسین و منتظران امام زمان ارواحناله‌الفداست. اربعین رزمایش مقدمه‌سازان ظهور است. اربعین محلّ تغذیهٔ معرفتی و معنوی سربازان حضرت ولی‌عصر ارواحناله‌الفداست. کودکانی که در مسیر اربعین می‌آیند، چه آینده‌ای خواهند داشت؟ کودکانی که در دسته‌های عزاداری

صدنفره، دویست‌نفره، هزارنفره، در کوچه پس‌کوچه‌های شهر، میان دسته‌های عزاداری می‌آمدند، انقلاب اسلامی و دفاع مقدس و دفاع از حرم را رقم زدند. کودکانی که در اربعین حضور پیدا می‌کنند، چه آینده‌ای را رقم خواهند زد؟

## » آیندهٔ اربعین کمتر از مقدمه‌سازی برای ظهور نیست

خانم‌های خانه‌داری که برای نذری محلی خودشان غذا می‌پختند، انقلاب اسلامی را رقم زدند. دفاع مقدس را رقم زدند. دفاع حرم را رقم زدند و شهدای بزرگ مدافعین حرم را رقم زدند و این تحول جهانی را در مقابل استکبار جهانی رقم زدند. خانم‌های خانه‌داری که در خانهٔ خودشان غذا می‌پزند؛ در همین ایلام، در مهران، در دهلران، در این شهرهای اطراف و نمی‌گذارند زائر پیاده‌روی‌کنندهٔ میلیونی اربعین گرسنه بماند یا بخواهد برای غذا هزینه‌ای بدهد، اینها چه انقلاب جهانی‌ای را رقم خواهند زد؟!

فقط خدا می‌داند ماجرا چیست! مطمئن باشید آیندهٔ اربعین کمتر از مقدمه‌سازی برای ظهور حضرت ولی‌عصر نیست. این یک بُعد ماجرا که البته نمی‌شود همه‌اش را باز کرد.

## » اربعین برای جامعهٔ ما «تمرین تحقق حکمرانی مردمی» است

اما بُعد دیگر مسئله این است که اربعین برای جمهوری اسلامی ایران «رزمایش» یا به تعبیر دیگر، تمرین تحقق حکمرانی مردمی است. مقام معظم رهبری بارها فرموده‌اند که دولت باید ابتدا اسلامی بشود. اگر دولت بخواهد اسلامی بشود باید مردمی بشود. اگر دولت بخواهد مردمی بشود باید کوچک، مؤثر و مفید بشود. برای اینکه این امر تحقق پیدا بکند،

باید مردم به صحنه بیایند و مردم‌سالاری دینی تحقق پیدا کند. مقام معظم رهبری فرمودند: مردم‌سالاری دینی فقط به انتخابات و شرکت در رأی‌گیری نیست.

رئیس جمهور ما شعارشان این بود که این دولت را «دولت مردمی» قرار بدهند. رهبری عزیز فرمودند: اینکه رئیس جمهور می‌آیند بین مردم عالی است اما این کافی نیست. پس باید چه‌کار کرد؟ باید کارها بیشتر به مردم سپرده بشود. رئیس جمهور در نطق مجلس شورای اسلامی در آغاز کار یک جملهٔ طلایی گفتند و فرمودند: انتخابات آغاز مشارکت مردم است؛ نه پایان مشارکت مردم! یعنی این‌طور نیست که مردم دیگر به خانه بروند و دولت بخواهد کار بکند.

## » فقط دولت بخواهد کارها را به‌دست بگیرد، موفق نخواهد بود

اگر فقط دولت کارها را به‌دست بگیرد و مردم در ادارهٔ جامعه نقش نداشته باشند، قطعاً دولت موفق نخواهد بود. چون وقتی قدرت، در دولت تمرکز پیدا کرد، اگر آدم‌های صالح هم یک خدمت‌هایی را انجام بدهند، بالاخره آدم‌های ناصالحی هستند برای اینکه نقشه بکشند تا این قدرت را به‌دست بگیرند، بستر رانت‌بازی‌ها و بستر مافیاها را فراهم بکنند و از آن سوءاستفاده بکنند.

خوب‌بودن دولتمردان جمهوری اسلامی و خدمتگذار بودنشان ابداً کافی نیست. باید کار به‌دست مردم سپرده بشود تا امکان رانت‌خواری از بین برود، تا امکان شکل‌گیری مافیاها در بخش خصوصی از بین برود، تا امکان دعواهای سیاسی بیهوده که مملکت را عقب نگه داشته از بین برود.

مردم‌سالاری و حکمرانی مردمی، همان چیزی است که ولایت می‌خواهد و الآن تنها کسی که پای آن ایستاده و دارد این عَلم مردم‌سالاری را جلو می‌برد تا در جزئیات تحقق پیدا بکند، شخص مقام معظم رهبری است. وقتی مردم‌سالاری دینی به معنای واقعی کلمه تحقق پیدا بکند، اصطلاحات مسخرۀ چپ و راست از بین می‌رود و نیروهای شایسته به‌کار گرفته می‌شوند و دیگر کسی برای گرفتن پست‌ها طمع نخواهد داشت، چون مردم در کنار همۀ مدیریت‌ها در همۀ سطوح، حضور دارند، رانت‌خواری دیگر امکان نخواهد داشت و احزابی که باندهای مخوف سیاسی هستند و دنبال ولایت مطلقۀ احزاب هستند، کمر پیشرفت کشور را نخواهند شکست.

## » اربعین، تمرینی برای مردمی‌سازیِ ادارۀ جامعه و مقدمه‌ای برای اصلاح امور مملکت

ما الان در این جلسۀ اربعینی، داریم از تحول حکمرانی و از مسائل سیاسی جمهوری اسلامی صحبت می‌کنیم. این معجزۀ بزرگ اربعین است که وقتی به عنوان یک تمرین و یک تجربۀ مردمی‌سازی ادارۀ جامعه، به اربعین نگاه کنید، آن‌وقت می‌بینید که اربعین می‌تواند مقدمه‌ای برای اصلاح امور مملکت بشود.

با توجه به نگاهی که مسئولین محترم دارند و همه عزم دارند که یک تمرین را به نمایش بگذارند. اگر کار به دست مردم سپرده بشود، با کمترین هزینه و بالاترین سلامت، بیشتر فایده هم به‌دست خواهد آمد و بسیاری از مشکلات حل خواهد شد.





چرا زیارت اباعبدالله‌الحسین علیه‌السلام این‌همه ثواب و عظمت دارد؟ از بس که از آن، کار برمی‌آید! و شما خواهید دید با کمترین قانونگذاری، با کمترین نظارت، با کمترین هزینه‌های اضافی، چگونه میلیون‌ها نفر زائر راهی کربلا می شوند.

این الگو اگر محقق بشود، کلّ مملکت باید به همین شیوه اداره بشود! وقتی کلّ مملکت، به همین شیوهٔ مردمی اداره شد، ریشهٔ فساد کنده می‌شود. قوهٔ قضائیه به تنهایی ریشهٔ فساد را نمی‌تواند بکَند. قوانین مجلس شورای اسلامی به تنهایی ریشهٔ فساد را نمی‌تواند بکَند. دولتمردان خوب هم به تنهایی ریشهٔ فساد را نمی‌توانند بکَنند. مگر امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام نبود؟ آیا ایشان به تنهایی توانست زمینه‌های نفوذ دشمن را از بین ببرد؟ وقتی مردم نیامدند، کارها پیش نرفت! و امیرالمؤمنین دیگر فریادش بلند شده بود که «یَا أَشْبَاهَ الرِّجَالِ وَلَا رِجَالَ»[1]

## » چگونه می‌شود حکمرانی را مردمی کرد؟

چگونه می‌شود حکمرانی را مردمی کرد؟ این یک معمای جهانی است، این یک معمای تاریخی است، این یک معما برای اندیشمندان علوم سیاسی در جهان است، الان اندیشمندان علوم سیاسی در جهان، اعتراف می‌کنند که ما به بن‌بست رسیده‌ایم. این یک سؤال بزرگ تاریخی در حیات بشر است که چگونه می‌شود حکمرانی را مردمی کرد؟ بیایند نگاه کنند امام حسین چه‌جوری الگوی مردمی‌سازی حکمرانی را دارد در اربعین اجرا می‌کند.

بیست میلیون زائر اربعین را شما ساده نگیرید! اداره‌کنندگان حج

---

۱. نهج‌البلاغه، خطبه ۲۷.

در سرزمین حجاز، پیش یکی از مراجع نجف آمده بودند، این مرجع بزرگوار به بنده می‌فرمودند که حدود شش نفر از مدیران برجستۀ حجاز می‌گفتند: ما سالیانه حدود سه میلیون زائر داریم. مکانشان مشخص، محدوده‌ها مشخص، خیمه‌ها در منا برقرار، لوله‌های آب و فاضلاب هم کشیده شده است، همه‌چیز معلوم است! از هشت کشور، متخصصینی با مسئولیت خود آن کشور، یک ستادی دارند که این کارها را اداره می‌کنند ولی آخرش هم زائران مریض می‌شوند و تعدادی هم کشته می‌دهند. شما در اربعین با بیست میلیون زائر، چه‌کار می‌کنید با اینکه دولت‌ها دخالت ندارند! آیا اینها ساده است؟ شما انتظار دارید این حرفها را از BBC و VOA بشنوید؟ انتظار دارید این حرف‌ها و این مطالب عمیق را از چهار تا نادان روغن‌فکر بشنوید؟

## » عمق معنای ولایتمداری...

می‌دانید چه اتفاقی دارد در جهان می‌افتد؟ عمق معنای ولایتمداری یعنی سپردن کار به دست مردمی که به عشق مولایشان بهترین صورت را برای بزرگ‌ترین کارها فراهم می‌کنند. ما منتظریم الگوی حکمرانی اسلامی را از استان ایلام دریافت کنیم، این الگو برود در مجلس شورای اسلامی و در دولت، ساختارهای حقوقی و ساختارهای اداری تغییر پیدا کند و ساختارهای منحوس ماکس وبری را کنار بزند.

در ساختارهای اداری می‌گویند که ما قانون را می‌گذاریم تا رفیق‌بازی نشود. چون اگر رفیق‌بازی بشود، تو رفیق‌های خودت را ترجیح می‌دهی و بقیه را حذف می‌کنی... اینها نمی‌فهمند و درواقع صورت مسئله را پاک

می‌کنند. خُب بیایید رفیق‌بازی را توسعه بدهید و بگویید «همهٔ مردم رفقای تو هستند! با همه رفیق هستی!» شما در اینجا به همهٔ زائران خدمت می‌کنید؛ حتی آن زائری که از پاکستان آمده و می‌خواهد عبور کند به سمت کربلا برود، خاک قدمش را توتیای چشم خود می‌کنید. اصلاً یک غوغای دیگری است! شما دارید یک حرکت دانشمندانهٔ فوق‌العاده انجام می‌دهید.

## » بزرگ‌ترین قربانی تاریخ بشریت برای یک اتفاق سادهٔ معنوی به شهادت نرسیده!

امام حسین علیه‌السلام که برای یک اتفاق معنوی ساده به شهادت نرسیده است؛ امام حسین علیه‌السلام بزرگ‌ترین سرمایهٔ خدا و بزرگ‌ترین قربانی تاریخ بشریت است! بزرگ‌ترین شهید همهٔ انبیاء است! امام حسین علیه‌السلام برای کارهای بزرگ است نه کارهای کم و کوچک. نه اینکه فقط یک بساط روضهٔ بیست میلیونی فراهم بکند و یک عده‌ای هم بیایند و نذری بدهند و تمام بشود! نه! ارزش خون امام‌حسین علیه‌السلام بالاتر از این حرف‌هاست و شما در این ماجرا سهیم هستید.

نقل می‌کردند که چند سال پیش، یک خانمی در ایلام، یک مرغ به دستش گرفته بود و جلوی ستاد مردمی اربعین آورده بود و گریه می‌کرد و می‌گفت: به خدا من غیر از این ندارم که برای زائران کربلا بیاورم، نگویید کم است و به درد نمی‌خورد، همین یک مرغ را از من بگیرید... ببینید، این دارد چه انقلابی را رقم می‌زند! یک خانم دکتری که می‌گفتند حجابش هم زیاد دقیق نبود، آمده بود و ماشین خودش را پر از ساندویچ کرده بود. می‌گفت: خودم دیشب تا صبح با بچه‌هایم نشستیم و این ساندویچ‌ها را درست کردیم برای زائران اربعین. خواهش می‌کنم از من بگیرید...

## » چه کسی به دل‌های شما انداخته که برای خدمت زائران اربعین قیام کنید؟

ان‌شاءالله که خداوند متعال به همهٔ شما و به مردم ایران توفیق بدهد که بیایند در این خدماتی که برای زائران اربعین انجام می‌دهید، مشارکت کنند. بگذارید یک مثال عرض کنم که البته بیشتر با مادران گرامی و بانوان محترم حاضر در جلسه تناسب دارد. شما را چه کسی به اینجا آورده است؟ چه کسی به دل‌های شما انداخته که برای خدمت زائران اربعین قیام کنید؟ چه کسی شما را جمع کرده که با همدیگر بروید یک موکب بزنید؟ زنگ بزنید این‌طرف و آن‌طرف و کمک بگیرید؟

این قصه‌ای که می‌خواهم برایتان نقل کنم، از کسانی که شاهد ماجرا بودند شنیده‌ام، و ماجرا حدوداً مربوط به چهار سال پیش است. یک گروه از جوان‌ها بودند که نه دولت و نه هیچ نهادی آنها را وادا به فعالیت نکرده برای اربعین نکرده بود، آنها یک جریانی را در اربعین راه انداختند برای کمک به گمشدگان. به این صورت که هرکسی گم شد، با شمارهٔ ما تماس بگیرد و هر کسی هم کسی را گُم کرد، با شمارهٔ ما تماس بگیرد. ما گمشده‌ها را به رفقایشان می‌رسانیم. یک فعالیت عظیمی انجام دادند و کار قشنگی هم هست. یک کتاب خاطره هم داشتند چاپ می‌کردند که بنده یکی از قصه‌های آن کتاب را برای شما می‌گویم.

## » یا اباالفضل، یک خدمتی هم بده من انجام بدهم...

می‌گویند: ما اطراف حرم امام حسین علیه‌السلام یک دفعه‌ای مواجه شدیم با یک مادری که به‌شدت گریه می‌کرد و می‌گفت بچهٔ شش ماههٔ خودم را گم کرده‌ام. می‌گفت: بچه‌ام را گذاشتم در بغل مادر خودم که ویلچری

بود. یک جوانی در نزدیکی کربلا به من گفت: بگذار ویلچر را من هول بدهم، برای شما سخت است. گفتم: اشکالی ندارد، او هم کمک کرد و من دنبال آن جوان و ویلچر مادرم و بچهٔ خودم می‌رفتم. یک دفعه‌ای در ازدحام جمعیت، این جوان را گُم کردم. او هم حتماً دنبال من گشته بود ولی دیگر همدیگر را پیدا نکردیم. الان دارم هلاک می‌شوم.

گفتیم: خُب مادرت شماره تلفن ندارد؟ گفته بود: مادرم کر و لال است. اصلاً نمی‌تواند با کسی ارتباط برقرار کند، چه برسد به تلفن. خدایا ما یک مادر کر و لال را چطوری بین بیست میلیون نفر پیدا کنیم؟ سه روز این مادر را ما فقط دلداری می‌دادیم، مدام می‌بردیمش اطراف حرم، دو سه روز گذشت. یک‌بار همین‌جور که داشتیم او را دور حرم طواف می‌دادیم یک دفعه‌ای این خانم جیغ کشید و گفت: این مادرم است! رفتیم سمت یک ویلچر و دیدیم که مادرش آنجاست. بچه هم در بغل یک خانم عراقی بود و داشت بچه را شیر می‌داد.

از آن خانم عراقی پرسیدیم: شما چه‌کار می‌کنید؟ این بچه بغل شما چه‌کار می‌کند؟ گفت: من هیچ چیزی نداشتم که موکبداری کنم و از زائران اباعبدالله الحسین علیه‌السلام پذیرایی کنم؛ به حرم حضرت اباالفضل آمدم و گفتم: «یا اباالفضل، یک خدمتی هم بده من انجام بدهم» شب خواب دیدم، اباالفضل العباس فرمود: خانم، یک زائر شش ماهه دارم، سه روز تو باید به او خدمت کنی. از خواب بیدار شدم، می‌گفتم: زائر شش ماهه دیگر چیست؟ من خودم بچهٔ شیرخواره دارم. آمدم کنار حرم اباالفضل العباس با یک فاصله‌ای ایستادم. دیدم یک آقایی ویلچر دستش هست و این مادر هم نشسته است و یک بچه‌ای دارد زار می‌زند. رفتم جلو، گفتم این بچه گرسنه‌اش است، شیر می‌خواهد... بچه را گرفتم

شیر دادم و آنها را به خانه بردم. در این سه روز، شب‌ها می‌آیند خانهٔ من استراحت می‌کنند و روزها می‌آییم اینجا بنشینیم بلکه مادرش را پیدا کنیم. حضرت اباالفضلی که به فکر آن طفل شش ماهه هست، به فکر همهٔ زائران هم هست.[۱]

---

۱. علیرضا پناهیان، اجتماع بزرگ خادمان اربعین در استان ایلام، دسترسی در: «http://panahian.ir/post/۷۴۵۴ »

## • مبحث پنجم: «چگونه زائران اربعین، یاوران امام‌زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف می‌شوند؟»

## « مقایسه قیام حسینی با قیام مهدوی

باید قیام امام‌حسین علیه‌السلام و قیام امام‌زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف را با یکدیگر مقایسه کرد تا قیام امام‌زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف را بهتر بشناسیم. حرکت مهدوی تفاوت‌هایی اساسی با حرکت حسینی دارد. یاران امام‌زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف هم از جهت رفتار، موقعیت و مسئولیت با اصحاب امام‌حسین علیه‌السلام تفاوت‌هایی دارند. این مقایسه تفاوت‌ها و تشابه‌هایی را به ما نشان می‌دهد که معرفت‌افزا و گره‌گشا است.

در قیام حسینی یاران حضرت باید در دفاع از ایشان از جان خود می‌گذشتند، اما در رکاب امام‌زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف ماجرا فقط از جان گذشتن نیست. شاید آدم بتواند راحت از جان بگذرد ولی گاهی ممکن است نتواند از دنیا بگذرد. شما باید پای رکاب امام‌زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف حکومت کنید و اداره‌کنندگان عالم بشوید. امام‌زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف فدایی‌های زیادی دارد که در راه دفاع از حضرت سختی بکشند، اما اگر حضرت به ما مقام اجتماعی

داد و مسئولیت سپرد آیا می‌توانیم انجام بدهیم!؟ آیا مسئولین ما در حد و اندازه اصحاب برجسته امام‌زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف هستند یا نه؟ هرقدر اینها به اصحاب حضرت شبیه‌تر باشند همان قدر به ظهور حضرت نزدیک شده‌ایم.

قیام حسینی برای نگه داشتن نام و راه اسلام بود، ولی قیام مهدوی برای استقرار و حاکمیت اسلام است، امام‌حسین علیه‌السلام برای حفظ حداقلی از دین قیام کرد تا این دین به نسل‌های بعد برسد ولی قیام امام‌زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف برای پاک کردن جهان از هرگونه ظلم است، پس یارانی که امام‌زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف می‌خواهد تفاوت‌هایی با یاران امام‌حسین علیه‌السلام دارد. ما خودمان را برای شهادت آماده می‌کنیم ولی قیام مهدوی شهید نمی‌خواهد رئیس می‌خواهد.

## » آیا می‌توانیم در شهرهای خودمان شبیه جاده اربعین زندگی‌کنیم؟

امام‌زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف مسئولان را از کسانی مثل موکب‌دارها و خرج‌کنندگان مسیر اربعین انتخاب می‌کنند. چه می‌شود برای اربعین ازخودگذشتگی ایجاد می‌شود؟ آیا می‌توانیم در شهرهای خودمان شبیه جاده اربعین زندگی کنیم؟ ماجرا این است. چرا کسانی که در این راه پذیرایی می‌کنند، هستی خودشان را لب جاده آورده‌اند؟ قیام مهدوی از ما می‌خواهد مثل اربعین ایثارگرانه و مهربانانه زندگی کنیم. ما را به نمایشگاه اربعین آوردند ببینیم زندگی این است و کل زندگی ما باید این طوری باشد.

همسایه‌های خانه امام‌زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در خانه خود را باز کردند، زندگی خودشان را در طبق اخلاص قرار دادند، ما باید همیشه درِ خانه‌های‌مان در زندگی عادی به روی همدیگر باز باشد، به غریبه‌ها بگویید فکر نکنند

ما اینجا فقط یک خوشگذرانی معنوی داریم، رنج پذیرش یک مسئولیت بزرگ را در دل‌مان احساس می‌کنیم. در راه جبهه به خودمان می‌گفتیم آیا برای شهادت آماده‌ایم یا نه؟ ولی الآن باید خودمان را برای زندگی مهدوی آماده کنیم نه شهادت حسینی.

در عاشورا اصحاب امام حسین علیه‌السلام گفتند اجازه بدهید خودمان را فدای شما کنیم اما امام‌زمان عجّل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف برای شهادت فدایی نمی‌خواهد بلکه در عرصه زندگی فدایی می‌خواهد، همان طور که عرصه اربعین فدایی لازم داشت تا اربعین شکل بگیرد. آیا میلیون‌ها زائر غذا نمی‌خواهند؟ چه کسی باید این خیمه‌ها را بنا کند و تدارک زائران را انجام بدهد؟ مگر اینها آمدند شهید بشوند؟ اینها می‌خواهند در این سفر زندگی کنند.

اربعین دارد مسئولیت بزرگی را به دوش ما می‌گذارد. بعد از اربعین کار ما تمام نیست، قصه این است که زندگی ما باید متفاوت بشود، هنوز خیلی فاصله هست. مریدان اربعینی امام‌زمان عجّل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف اینجا یک دوره آموزش می‌بینند و خودشان را برای ظهور آماده می‌کنند. وقتی امام‌زمان عجّل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف آمد مردم تمام خیابان‌ها را به جاده نجف-کربلا تبدیل می‌کنند.

## » رفتار همدلانه در هنگامۀ ظهور

بنابراین ماجرای اربعین که این همه تحول در نگاه و رفتار افراد ایجاد کند می‌تواند یکی از مقدمات ظهور تلقی بشود. یکی از اتفاق‌هایی که در هنگامه ظهور رخ می‌دهد، رفتار همدلانه و محبت بین مؤمنین است. امام‌زمان عجّل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف می‌فرماید: «وَ لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَّقَهُمُ اللَّهُ لِطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمُ الْيُمْنُ بِلِقَائِنَا وَ لَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا»[1] اگر شیعیان ما قلباً با هم اجتماع کنند

۱. المزار، شیخ مفید، ص۱۱.

و با همدلی به عهدی که بر عهده دارند وفا کنند ملاقات ما تاخیر نمی‌افتد و غیبت ما باسرعت پایان می‌یابد.

شدیدتر شدن محبت‌ها نسبت به همدیگر هنگام ظهور پدید می‌آید. در هیئت یک مقدار اجتماع قلوب شدیدتر است ولی در اربعین چندده میلیون نفر از اقوام و ملت‌های متعدد با عشق دور هم جمع می‌شوند و باب مهربانی را باز می‌کنند لذا اربعین می‌تواند علامت ظهور تلقی بشود.

## » محبت بین مؤمنین در اربعین بیشتر از گذشته تشدید خواهد شد

شما در این راه یک مامور برای حل اختلاف نمی‌بینید، همه با هم ایثارگرانه و فوق‌انصاف رفتار می‌کنند. محبت بین مؤمنین در اربعین بیشتر از گذشته تشدید خواهد شد. اینجا عواطف می‌جوشد، کسی حساب برادر دینی‌اش را از خودش جدا نمی‌کند. در اربعین دل‌ها بسیار به هم محبت پیدا می‌کند، آیا این یک تمرین نیست تا اوج محبت به همدیگر را بچشیم؟

امام‌کاظم علیه‌السلام فرمود: اختلاف اصحابم برای شما یک رحمت است. «أَنَا فَعَلْتُ ذَلِکَ بِکُمْ لَوِ اجْتَمَعْتُمْ عَلَى أَمْرٍ وَاحِدٍ لَأُخِذَ بِرِقَابِکُم»[1] من خودم کاری کردم شما با هم اختلاف نظر داشته باشید چون اگر شما با هم اتحاد داشتید دشمنان شما احساس خطر می‌کردند و شما را از بین می‌بردند. الان که می‌توانید از خودتان در برابر دشمنان دفاع کنید بین شما اتحاد ایجاد کردند. آیا این قدرت و اتحاد مقدمه و علامت نزدیک بودن ظهور نیست؟

---

۱. علل الشرایع، ج۲، ص۳۹۵.

موکب‌هایی که از شهرهای گوناگون در اینجا هست، از مدت‌ها قبل خرج را از مردم جمع می‌کنند و با محبت و علاقه از هزاران نفر پذیرایی می‌کنند تا کسی گرسنه نمانند. در هنگامه ظهور بین مؤمنین عین برادر و خواهر محبت ایجاد می‌شود، امام‌کاظم علیه‌السلام فرمود وقتی هنگام ظهور بشود متحد و هم‌نظر کردن شیعیان برای ما کاری ندارد. در ایران و عراق اختلاف‌ها و سلیقه‌های مختلفی هست اما درباره اربعین غالبا اتحاد برقرار می‌شود. باید این همدلی را گرامی داشت. اهل‌بیت علیهم‌السلام با تحمل مصیبت‌های فراوان این همدلی را ایجاد کرده‌اند، برای همدلی بیشتر خودمان باید کاری بکنیم.

در مساجد هر شب یک روضه مختصر بخوانند و یک نفر بانی چای و قند شود، همین قصه موکب را هر شب در مسجد پای روضه امام‌حسین علیه‌السلام اجرا کنیم، چرا نباید مساجد مثل موکب‌ها گرم باشند؟! این مواکب جلوه‌گاه محبت‌اند. شیرینی پذیرایی چای و قندی که داده می‌شود محبت بین مردم را زیاد می‌کند. محبت یک هدیه الهی برای مؤمنین است: «إِنَّ الَّذینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمنُ وُدًّا»[1] اگر محبتی که در مواکب می‌بینید در مساجد نباشد باید در ایمان خودمان تردید کنیم.

اگر محبت در مساجد نباشد معلوم می‌شود در کنار ذکر قرآن آنچنان که باید ذکر عترت نیست. نماز قرآن خواندن مؤدبانه است. چون مساجد محل قرآن است باید محل عترت هم باشد، یاد امام‌زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، توسل، ذکر مصیبت و تمنا برای ظهور حضرت بشود. اگر مساجد را این طور قرار بدهیم و هر شب یک نفر موکب‌دار بشود و خرج روضه را بدهد، کم‌کم این محبت جاری می‌شود. در آخر الزمان محبت بین اصحاب

۱. مریم، ۹۶.

امام‌زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، محبت اعضای یک خانواده است، اهل‌بیت علیهم‌السلام می‌توانند بین ما محبت و اتحاد بیشتر ایجاد کنند، الان امام‌حسین علیه‌السلام با اربعین این محبت و اتحاد را ایجاد کرده است، بقیه این اتحاد را ما از اربعین الگو بگیریم و در زندگی خود پیاده کنیم.

## » آیا توصیه‌های اخلاقی جهان را آباد کرد؟

آیا توصیه های اخلاقی جهان را آباد کرد؟ آیا انسان ها با این توصیه ها خوب شدند و ظلم و جنایت تمام شد؟ اگر توصیه‌های اخلاقی کار کرده است چرا این قدر قانون هست؟ اخلاق بشریت را نجات نداده است. اخلاق خوب است ولی در اربعین برای این که افراد نسبت به یکدیگر خوب رفتار کنند توصیه اخلاقی لازم نیست، اینجا همه به عشق امام‌حسین علیه‌السلام نهایت اخلاق را نسبت به هم رعایت می‌کنند، در این راه هیچ کس حاضر نیست کوچکترین ظلمی کند.

اربعین؛ پدیده بزرگ عاطفی

ببینید رفقا! هیچ موضوعی به اندازه ظهور برای مومنین پراهمیت نیست، شایسته است اربعین را برای ظهور امام‌زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف مقدمه بدانیم. اربعین یک پدیده بزرگ عاطفی است، در اربعین میلیون ها انسان برای محبت یک شخصیت می‌آیند یعنی امام‌حسین علیه‌السلام. در ماجرای اربعین امام‌حسین علیه‌السلام تحولی اساسی در دل ها، رفتار و سبک زندگی مردم ایجاد کرده است، این پدیده مقدمه کدام بخش از ظهور امام‌زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف است؟ همه کسانی که به امام‌حسین علیه‌السلام مهر می‌ورزند در زمان ظهور با شدت بیشتری به امام‌زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف مهر می‌ورزند. قطعاً این شور و غوغا و این سبک زندگی توأم با ازخودگذشتگی و ایثار در اربعین، در زمان ظهور بیشتر خواهد شد.

## » راز ابراز محبت به اهل بیت علیهم‌السلام

علت این همه اصرار بر محبوبیت رئیس دین و جامعه، اصرار بر محبوبیت ولی خدا که ولایت جامعه را به عهده دارد و اصرار بر عشق‌ورزی نسبت به امام‌زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف چیست؟ اسلام بر محبت نسبت به ولی خدا استوار است، قرآن می‌فرماید: «قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلاَّ الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبی»[۱] پاداش رسالت پیامبراکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله چیزی نیست جز مودت چهارده معصوم که همان امامان و رؤسای اصلی جامعه هستند. مودت محبتی است که باید علنی ابراز شود، نه این که در خانه بنشینید و بگویید من شما را دوست دارم.

اگر رئیس جامعه محبوبیت داشته باشد جامعه به سهولت اداره خواهد شد، با محبوبیت رئیس جامعه با کمترین هزینه برای نظارت و با کمترین قانونگذاری جامعه اداره می‌شود. هر قانونی می‌تواند موجب مفسده و رانت‌خواری بشود، بنابراین به افراد نیاز است تا از فساد مجریان قانون جلوگیری کنند. محبوبیت رئیس جامعه تنها راه برای راحت‌ترین زندگی و کم‌هزینه‌ترین صورت اداره جامعه است.

محبت به ائمه هدی یک کار خوب در کنار کارهای خوب دیگر نیست بلکه تسهیل‌کننده همه کارهای خوب است، درحالی‌که خود این محبت سخت نیست، به طوری که رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و اهل‌بیت علیهم‌السلام نزد دشمنان‌شان هم محبوب بودند.

محبت رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و اهل‌بیت علیهم‌السلام راحت‌ترین تکلیف است، فقط باید این محبت را نشان داد تا به یک فرهنگ و هنجار تبدیل بشود و بی‌مهری نسبت به ولی خدا در نظر افراد جامعه یک فاجعه تلقی بشود.

---

۱. شوری، ۲۳.

وقتی این محبت یک فرهنگ و ارزش بنیادین اجتماعی شد، اداره جامعه را سهل می‌کند، آن وقت به بسیاری از نهادهای نظارتی و امنیتی و تحمیل هزینه‌های هنگفت به دولت نیاز نیست.

## » خود مردم خرج می‌دهند

دولت‌ها در اربعین دخالت و مدیریت ندارند، خود مردم خرج می‌دهند، پذیرایی می‌کنند و نظم را برقرار می‌کنند. شما یک پلیس را در این راه نمی‌بینید که بخواهد بین مردم نظم برقرار کند، همه به هم کمک می‌کنند و از همدیگر حمایت می‌نمایند. اگر اداره جهان مانند اداره اربعین باشد یک دولت بسیار کوچک کافی است آن هم نه با قانون بلکه با اشاره؛ وقتی به جای قانون جامعه با اشاره اداره شود آنهایی که مشتاق‌تر، محبّ‌تر و عاشق‌تراند کار را انجام می‌دهند و نمی‌گذارند کاری برای بقیه روی زمین بماند.

## » با قوانین اجتماعی نمی‌توان یک تظاهرات بیست میلیونی درست کرد

با قوانین اجتماعی نمی‌توان یک تظاهرات بیست میلیونی درست کرد. عظمت محبت مولا باعث شده است با اشارهٔ مولا مردم فراتر از دستور عمل کنند. تمام اندیشمندان جهان قبول دارند «از محبت خارها گل می‌شود» ولی می‌گویند محبت وجود ندارد؛ اگر آنها نظام‌هایی غیر از نظام ولایی پیشنهاد می‌دهند علتش این است که چنین محبتی را خیال‌پردازی و ناممکن می‌دانند. نزد دانشمندان و دانش‌های موجود فرض بر این است که انسان‌ها موجوداتی گرگ‌مسلک هستند و گربه‌صفت رفتار می‌کنند، آنها می‌گویند این انسان سودجو و منفعت‌طلب

را تنها با رقابت آزاد می‌شود کنترل کرد. اربعین نشان داد اگر کار بر محبت مولا صورت بگیرد محبت ممکن است.

## » خون امام حسین علیه‌السلام تا ظهور آرام نمی‌گیرد

خون امام حسین علیه‌السلام تا ظهور آرام نمی‌گیرد. آیا طبیعی نیست هرلحظه که به ظهور نزدیک می‌شویم، این ناآرامی بیشتر بشود و به اوج برسد و این انقلابِ دل‌ها تحول بیشتری نشان بدهد؟ چه کسی این دل‌ها را ملتهب و متحول کرده است؟

امام حسین علیه‌السلام در روز عاشورا به امام سجاد علیه‌السلام فرمود: به خدا قسم که خون من آرام نمی‌گیرد، تا زمانی‌که مهدی ظهور کند و برای انتقام و از بین بردن ریشهٔ ظلم مبعوث بشود.[۱] شما مصداق همین آرام نگرفتن خون امام حسین علیه‌السلام تا ظهور هستید. معلوم است که این عدم آرامش و بی‌قراری دل‌ها باید تا زمان ظهور ادامه پیدا کند و هرچه به ظهور نزدیک می‌شویم، این التهاب بیشتر بشود.

شما صرفاً عزاداران امام حسین علیه‌السلام نیستید و کارِ شما فقط عزاداری نیست. برای نام‌بردن از اربعینی‌ها باید یک اسم دیگری به‌کار ببریم. در زیارت اربعین می‌گوییم «و نُصرَتی لَکُم مَعَدَّة»[۲] کمک من برای شما آماده است. شما ناصران و یاوران امام حسین علیه‌السلام هستید.

اسم شما عزاداران حسین علیه‌السلام نیست، عزادار یک گوشه‌ای می‌نشیند و گریه می‌کند. شما یاوران امام حسین علیه‌السلام هستید. در اربعین، این نصرت

---

۱. امام حسین علیه‌السلام: «يَا وَلَدِي يَا عَلِيُّ وَ اللَّهِ لَا يَسْكُنُ دَمِي حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ الْمَهْدِيَّ فَيَقْتُلَ عَلَى دَمِي مِنَ الْمُنَافِقِينَ الْكَفَرَةِ الْفَسَقَةِ سَبْعِينَ أَلْفاً.» (مناقب آل ابی طالب، ج۴، ص۸۵)

۲. زیارت اربعین.

به جوش می‌آید و ناصران حسین علیه‌السلام به خروش می‌آیند.

شما دارید در آینده قدم می‌زنید و دارید آینده را رقم می‌زنید. احساس یاوری داشته باشید. از همین آغاز پیاده‌روی گام‌های خودت را محکم بگذارید و بگویید «لشکریان امام‌زمان علیه‌السلام رسیده‌اند»

اسم خودت و حسّ خودت را عوض کن و بگو «ما یاور امام‌زمان علیه‌السلام هستیم.» حسّ سربازیِ حضرت مهدی علیه‌السلام را در دل‌های خودتان قرار دهید. این کوله‌های شما، کوله‌های نظامی است، نه کوله‌های تفریحی!

شما وقتی برای اربعین آمده‌اید یعنی برای نصرت امام‌زمان علیه‌السلام آمده‌اید. اساساً دسته‌های عزاداری برای نصرت هست، حسّ یاوری امام‌زمان علیه‌السلام را بگیرید، این خیال‌پردازی نیست؛ شما همین الان هم دارید امام خود را یاری می‌کنید.

خیلی‌ها با خانواده آمده‌اند. اگر از اینها بپرسید «زن و بچه را چرا آورده‌اید؟ مگر برای رزمایش مهدوی نرفته‌اید؟» می‌گویند: مگر حسین علیه‌السلام با خانواده‌اش نیامد؟ مگر طفل شش‌ماهه و دختر سه‌ساله‌اش را نیاورد؟

کسانی که هنوز از خانهٔ خود حرکت نکرده‌اند، قصد خودشان را از اول، نصرت و یاری امام‌زمان قرار بدهند، از خانهٔ خودتان که حرکت می‌کنید، این قصد را داشته باشید؛ قصد شما در این سفر، خیلی مهم است. همهٔ زیارت، به قصدِ آن است.

در حج بهتر است که نیت را با صدای بلند بگویند. شما هم که برای زیارت اربعین آمده‌اید، نیت پیاده‌روی خود را اعلام کنید و با صدای بلند بگویید «خدایا پیاده‌روی می‌کنم قربه‌الیک، برای یاری امام‌زمان علیه‌السلام »

مرحبا به شما که در این رزمایش مهدوی، حضور پیدا کرده‌اید. وقتی

در زیارت اربعین می‌گوییم «و نُصرَتی لَکُم مَعَدَّة» یعنی «یابن الحسن، من برای کمک کردن به شما آمده‌ام» این خون امام حسین علیه‌السلام است که آرام نمی‌گیرد و شما را ملتهب کرده و شما همان غلغله‌ای هستید که در خون امام حسین علیه‌السلام هست.

خون امام حسین علیه‌السلام تا ظهور آرام نمی‌گیرد. آیا طبیعی نیست هرلحظه که به ظهور نزدیک می‌شویم، این ناآرامی بیشتر بشود و به اوج برسد و این انقلابِ دل‌ها تحول بیشتری نشان بدهد؟ چه کسی این دل‌ها را ملتهب و متحول کرده است؟

قبلاً اگر یک کسی مثلاً یک روز عزاداری نمی‌کرد و یک روز دیگری که حالش را داشت، عزاداری می‌کرد، می‌گفتیم اشکالی ندارد؛ بالاخره آدم یک روز حال دارد و یک روز حال ندارد. ولی بنده برای اولین بار در این ده سالی که اربعین رونق گرفته، دارم این مطلب را عرض می‌کنم: امروز اگر کسی با این اربعین، متحول نشود، علامت خطر است. این التهاب و تحول دل‌ها در اربعین، عادی نیست و معنا دارد.

کسانی که امسال نتوانستند بیایند، بالاخره در شهرهای خودشان در استقبال از زائران اربعین یک خودی نشان بدهند یا اگر می‌توانند به لب مرزها بیایند یا خدمت‌رسانی کنند. کسی نمی‌تواند در اربعین، آرام بگیرد، نسبت به اربعین نمی‌شود بی‌تفاوت بود.[۱]

---

۱. علیرضا پناهیان، آغاز مسیر پیاده‌روی اربعین از جوار مسجد سهله، دسترسی در: «http://panahian.ir/post/۷۷۷۹»

- خشاب اضافه : «چند عبارت کوتاه به همراه ترجمه عربی برای تشکر از مردم عراق»

# از عراق و اهل عراق ممنونیم
# شاكرون للعراق وشعبه

## » چطور مردم عراق به این رتبه بالا رسیدند؟

ملت عراق برای اربعین و زیارت کربلا شهدای بسیاری داده‌اند که به نقل از یکی از علمای این کشور نزدیک به یک میلیون نفر است. این مردم در راه اربعین خون داده‌اند که امروز به این رتبه خادمی رسیده‌اند و بسیار خوش توفیق بوده‌اند. چند صدهزار شیعه عراقی در انتفاضه شعبانیه به شهادت رسیدند.

## » كيف بلغ العراقيون هذه الدرجة الرفيعة؟

لقد قدّم العراق للأربعينية وزيارة كربلاء جحافِل ضخمة من الشهداء بلغَت، بحسب أحد علماء هذا البلد، زهاءَ المليون. هذا الشعب قدّم في طريق الأربعينية الدماء ليرتقي اليوم مرتبةَ "الخدمة" هذه، وكان موفّقًا جدًّا في ذلك.. بضعة مئاتٍ من الآلاف من شيعة العراق استشهدوا في الانتفاضة الشعبانية.

## » عشایر عراق در خوبی ها سبقت گرفتند!

این شیعیان بسیار بی ادعا پای کار اربعین هستند. ما هم در راه این اربعین و زیارت امام حسین(ع) شهید داده‌ایم اما در خصوص زیارت اربعین، عشایر عراق چراغ اول را روشن کردند و این ناشی از ریشه معنوی خون‌های پاک شهیدان است.

........

## » لعشائر العراق قصَب السَبق في الخيرات!

هؤلاء الشيعة المتواضعون جدًّا ثابتون عند قضية الأربعين. نحن أيضًا قدّمنا في سبيل الأربعين وزيارة الإمام الحسين(ع) الشهداء، إلّا أنّ عشائر العراق أضاءت المشعل الأوّل على هذا الطريق، وهذا يعود إلى العُمق المعنوي لدماء الشهداء الطاهرة.

## » دوستی ملت ایران و عراق

ما عراقی ها را دوست داریم و میخواهیم این دوستی روز به روز بیشتر شود. امام خمینی(ره) ملت ایران و عراق را به رفاقت و دوستی بر حول محور اهل‌بیت(ع) توصیه کرده است. دشمنان تلاش بسیاری برای نابودی عراق انجام می‌دهند. باید این مردم را دریابیم و اجازه ندهیم دشمنان ما این دوستی و همدلی را از ما بگیرند.

## » صداقة الشعبين الإيراني والعراقي

نحن نحب العراقيين، ونود أن تنمو هذه المحبة على الدوام. سماحة إمامنا الخميني الراحل(ره) كان قد أوصى الشعبين الإيراني والعراقي بالصداقة والتحابّ حول محور أهل البيت(ع). الأعداء يبذلون قصارى جهدهم لتدمير العراق، ولا بد أن نقف إلى جانب هذا الشعب، ولا ندع الأغيار يسلبونا حالةَ الصداقة والوئام هذه القائمة بين الشعبين.





## » ما عاشق این هستیم که عراق را در قله موفقیت ها ببینیم!

» ما چقدر عاشق این هستیم که عراق یک کشور پیشرفته و مقتدر باشد، از همهٔ کشورهای منطقه آرام‌تر باشد، دارای امنیت بیشتر، دارای اقتدار و شکوه بیشتر باشد. برای چه؟ برای اینکه اینجا پایتخت حکومت امام‌زمان(ع) است.

## » نتطلع إلى اليوم الذي يبلغ العراق فيه ذروة المجد

كم نود أن نرى العراق بلدًا متقدّمًا ومقتدرًا.. أشدّ استقرارًا من بلدان المنطقة جميعًا، وأكثرها أمنًا واقتدارًا وشوكةً. لماذا؟ لأن هاهنا عاصمة الإمام المهدي المنتظر(عج).